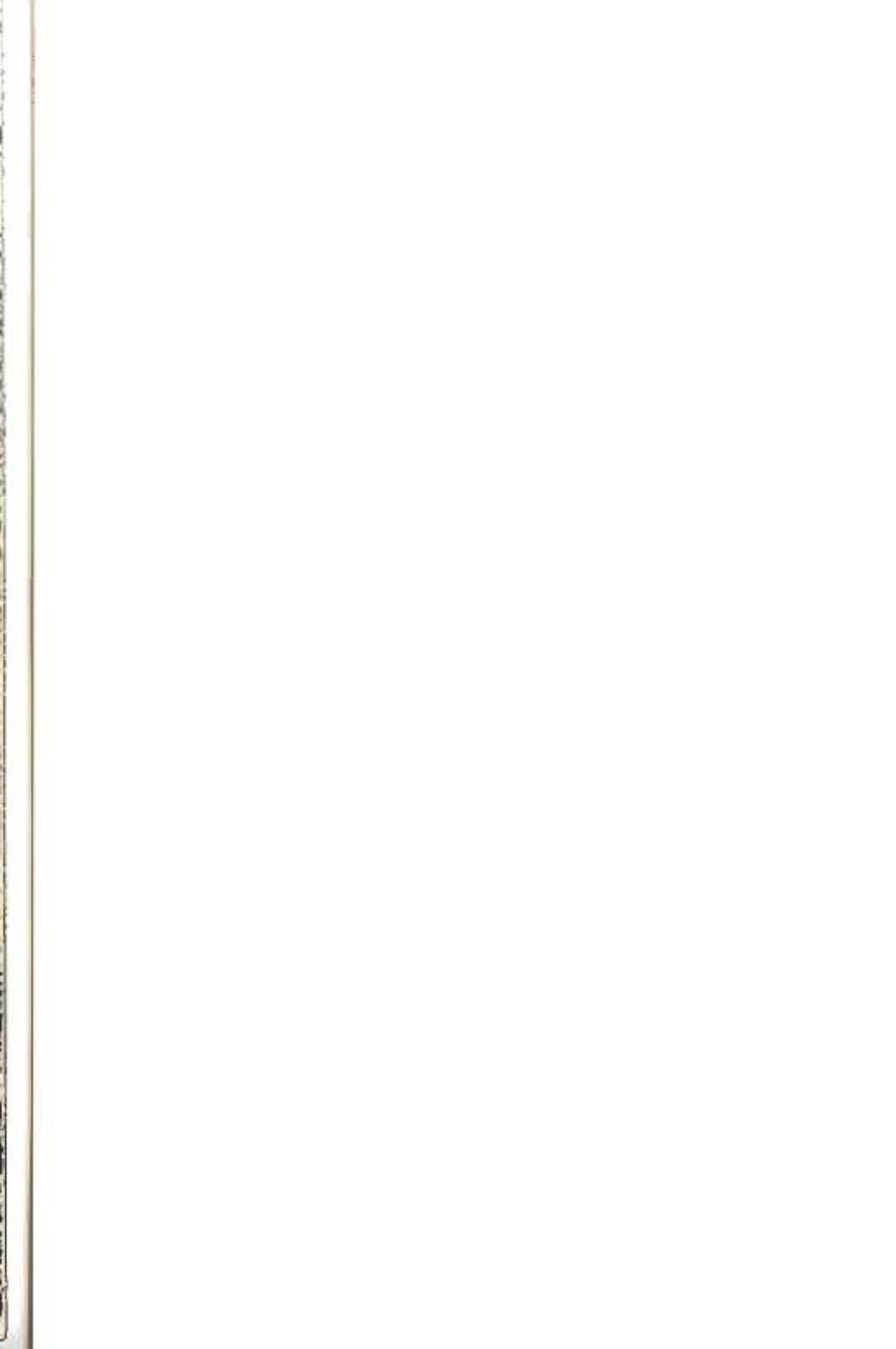


# کلثوم فنه

بیژن اسدی بور







## امارات مروارید

کلوم لته  
آقا جمال خوالدی  
با طرح های بیون اصلی بور

روی جلد و سوتاژ از حسن ماهرالتن  
چاپ اول تابستان ۱۳۹۵ در چاپخانه کتبه  
لائر انتشارات مروارید رده روی دانشگاه تهران  
حق چاپ سلطراحت است.



آقامال خوانساری  
**کلثوم ننه**

با طرح های بیژن اسدی پور

## تذکر و تشكیر

از میان متون موجود «کلثوم نه» به نظرم متن تصحیح شده محمود کتیرالی قابل اعتمادتر آمد. این را نوشتیم که عرض کنیم در تهیه متن حاضر هر جای اشکالی بود از متن ایشان مدد گرفتیم.  
و همه را برای این نوشتیم که بگوییم از محمد روشن که امکان استفاده از متن فوق را دادند سپاسگزارم.  
همینطور از اردشیر مخصوص که طرح های کتاب را انتخاب کردند.

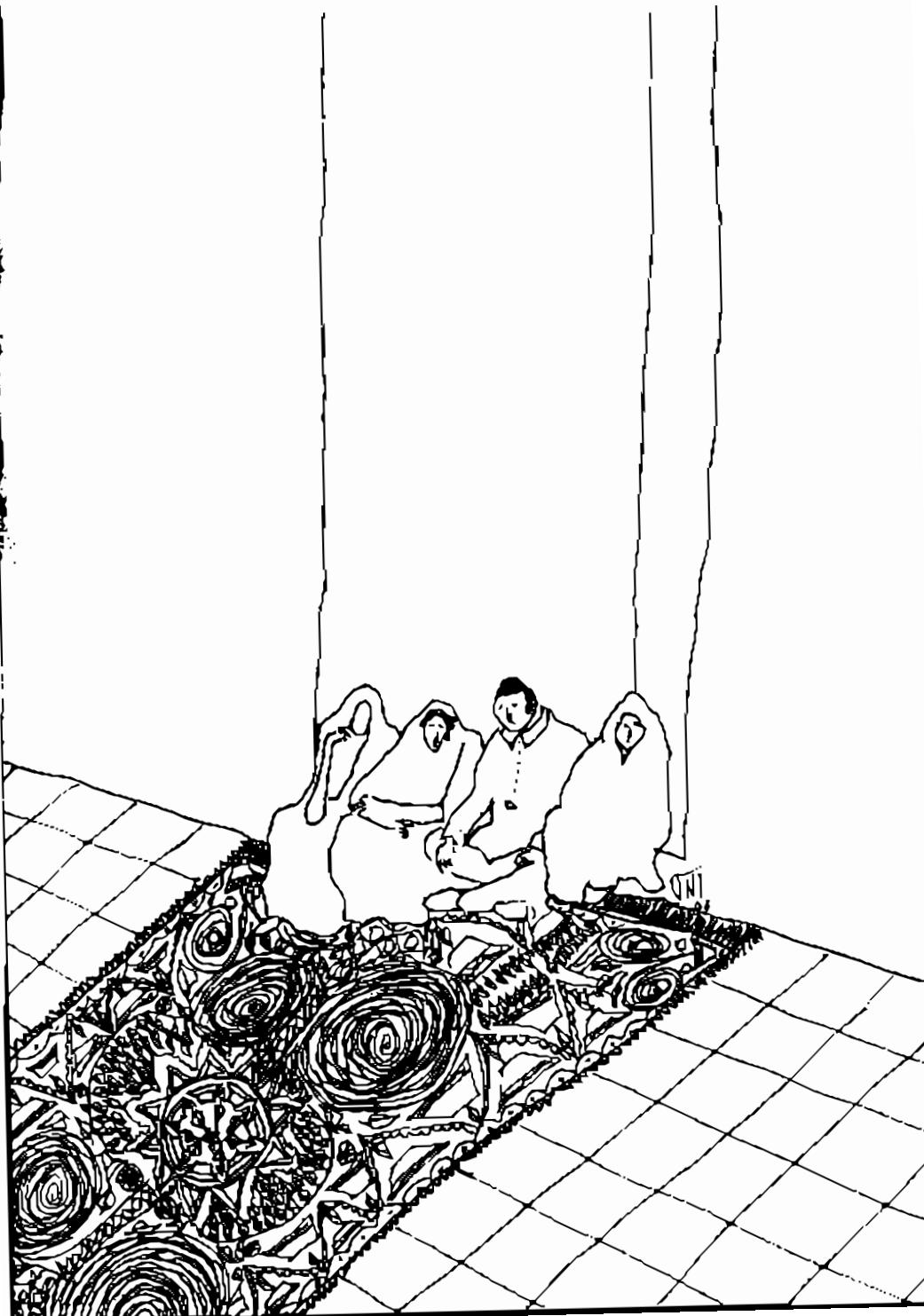


نه ضمیر برادران ایکانی پوشیده نمذکه این مختصر است در بیان اقوال و افعال و اجابت و من  
 و محرومات و بکر و بات و میا اطات ایشان و این سمل است بر قدمه و شانزده باب و خا،  
 بقیایه این را آن مقیده در اسمی علماً و فضل و فتها و قضیله اینها به اینکه افضل عدی نباخ  
 بی شاهزادیب و دم کلوم نه سوم خانه ای ای چارم باحی یا سمن چشم داده بزم آرا آنچه  
 انجه از اقوال اینها بدست بیاید نهایت و ثوق دارد و محل اعتماد است و بغیر از این خوا  
 سیکار نزدیک است که ذکر اینها موجب طول کلام میشود پس اینکه هر زنیکه سقی داشته بشد و هر زن  
 اور اور یافه باشد و یگر ببا فعال او و ثوق تمام دارند هر زنیکه خلاف نزدیک داشته باشد  
 لنه کار بشد باب ول در بیان عمل د صن و شیم باب د دم در بیان نهان باب سمه  
 روزه باب چهارم در بیان نکاح با جهیم و شیم در بیان زایدین و اعمال آن  
 در بیان حمام رفتن باب هشتم در بیان افعال آن باب هنام در بیان فعلهای او از قاع  
 ب دهیم در بیان معاشرت بازمان باب یازدهم در بیان مطبوع خانیکه نیزه  
 ب دوار دهیم در بیان تحویل بجهه چشم باب پیشنهادیم در بیان محروم و نامحروم باب  
 هم در بیان اسجابت دعا باب یازدهم در بیان مهجان بجا نه آملن باب پیشنهادیم



پوای پدر و مادرم





## نگاه صادق هدایت به کلثوم نه

نهان کنی که می فرمود گفت راجع به آداب و رسوم هوا م نوشته شده  
هان کلب مرد کفرم نه تالیف آنها جمل خوانساری است که به زبان های  
خارجه هم ترجمه شده و مبارس آن در مترس همه می باشد. اگرچه بعضی  
از مطالب آن امراض آمیز به نظر می آید زیرا نباید فراموش کرد که بستر آن  
عادات و خواص امروزه متخرخ شده و ازین راه است دجهزی که تا قبل توجه  
نمی خواسته است اینرا با انتظار تسریع نهی می کند.  
خرالات هم مانند همه گونه علاید و الکار زندگی بخروس دارد،

گاهی بوجود می آید و جانشین خرافات دیگر می شود و زمانی هم ازین می رود. ترقی علوم، انکار و زمان به این کار خیلی کمل می نماید. با اتفاق می افتد که بک دسته از آن ها را ازین می برد در صورتی که یک دسته دیگر خیلی سخت تر جای آن ها می آورد. البته اگر آن ها را به عالم خود بگذارند جنبه الوهیت خود را تادیر زمانی نگه میدارند چون مردم عوام آن ها را مانند مکافرات و وحی الهی دانسته به یکدیگر انتقال می دهند...

امروزه در همه ممالک متعدد دسته ای از دانشمندان خرافات همه ملل دنیا را از ممالک متعدد گرفته تا قابیل وحشی آفرینا و استرالیا جمع آوری کرده اند و تشکیل صدها کتاب را می دهد چنان که پس از مقایسه و تطبیق آن ها بایکدیگر

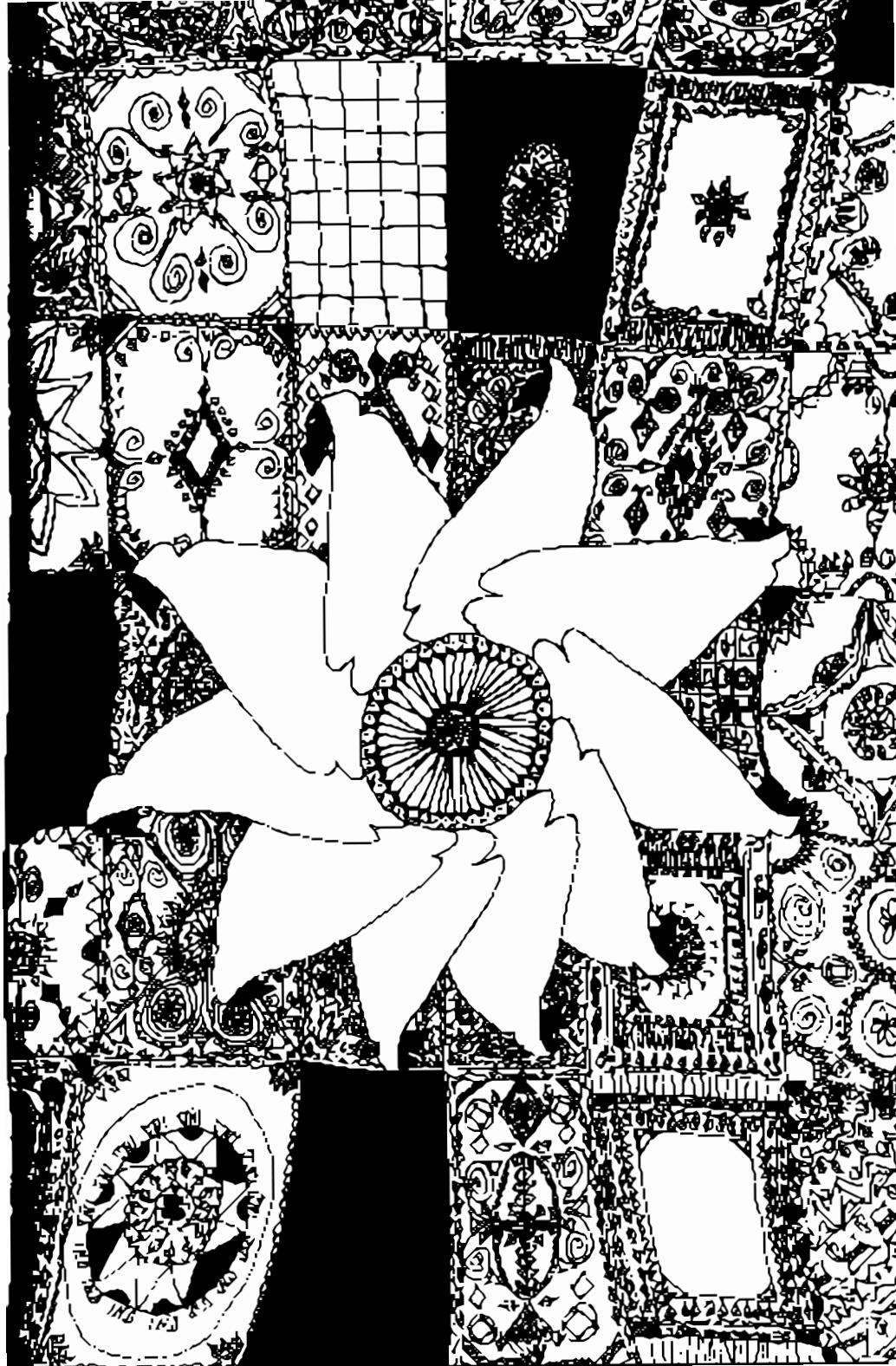


INI  
de

یک رشته هلم تازه بوجود آمده که دانش عوام با «ملکلر» می‌نامد که در اهل‌علوم مخصوصاً روانشناسی و تجزیه روح و تاریخ تسلن و تاریخ‌مذاهب وغیره خیلی طرف توجه علماء می‌باشد ولی جای تعجب است که تاکنون آداب، رسوم و اعتقدات‌عوام ایران جداگانه جمع آوری نشده بوده استنای مختصری در کلثوم نه و آنچه در کتاب‌ها دیده می‌شود عبارت از بعضی خواص است که مسافران اروپائی در روح با راستدر کتاب‌های خودشان غلط کرده‌اند.

#### ۶۴ قتل از کتاب لوتستان

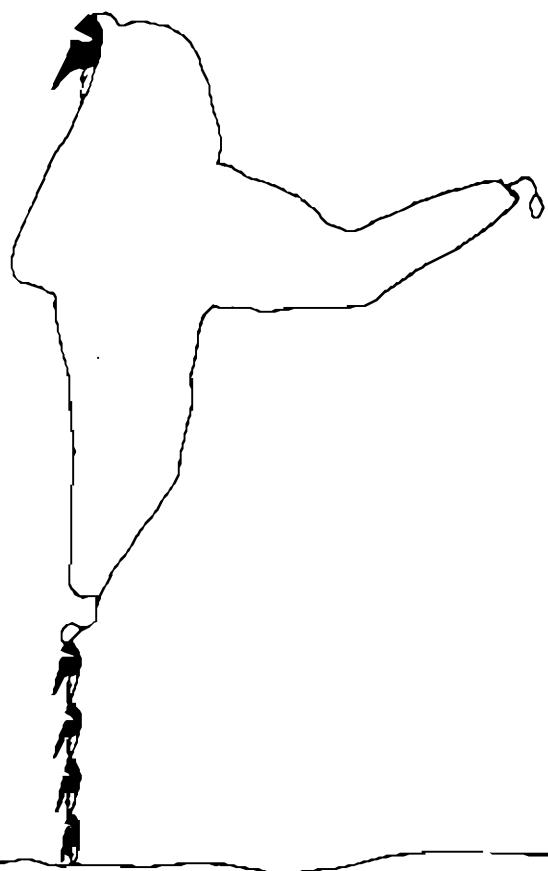




## مراسmi که وحی شیطان است

کثوم تنه کای است بـلارسی در مژل و موضوع آن مخاطلاً لختلاـت  
لهمـات داـزـبـلـه لـزـ روـهـدـ آـدـابـ اوـهـاـهـ دـزـانـ بـعـثـ مـیـ کـنـدـ،ـ موـافـقـارـیـضـ  
کـرـدـ،ـ اـسـتـ کـهـ اـنـ مرـاسـمـ وـآـدـابـ دـمـیـ شـیـطـانـ اـسـتـ.ـ بـعـدـ نـیـتـ اـنـ کـلـیـ  
مـزـلـ،ـ کـهـ تـالـفـ آـنـ رـاـ بـهـ آـلـاـ مـنـ خـوـانـارـیـ نـبـتـمـیـ بـعـدـ،ـ اـزـ لـطـافـ مـلـعـ  
بـرـمـ آـلـاـ جـنـالـ السـینـ بـاـشـ،ـ آـلـاـ مـنـ اـزـ دـاـشـمـدـانـ مـلـومـ بـهـنـ وـادـیـ بـودـ.  
داـزـبـلـهـ شـاـگـرـدـانـشـ سـیرـ دـامـادـ اـسـتـ.

به قلم نور حکم من جلد ۱



هَذِهِ كِتابٌ عَقَابٌ لِلنَّاسِ  
مِنْ تَالِفَاتِ أَفَاجِمَالِ خَوَافِسَارِي رَحْمَةِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برآینه ضعیر برادران ایمانی پوشیده نمایند که این مختصری  
است در بیان اقوال و افعال و واجبات و مندوبات\* زنان و  
محرمات\*\* و سکروهات\*\*\* و مباحات\*\*\*\* ایشان، و این مشتمل  
است بر مقدمه و شائزده باب و خاتمه و مسمی به عقایدالناء.  
اما متنه و اسامی علماء و فضلاء و لفظها و معنیت آنها - بدآنکه

\* متنجات.

\*\* پیزهای سرام.

\*\*\* جمع سکروه؛ و آن مقابل ستحب است. اگر انجام دادن امور

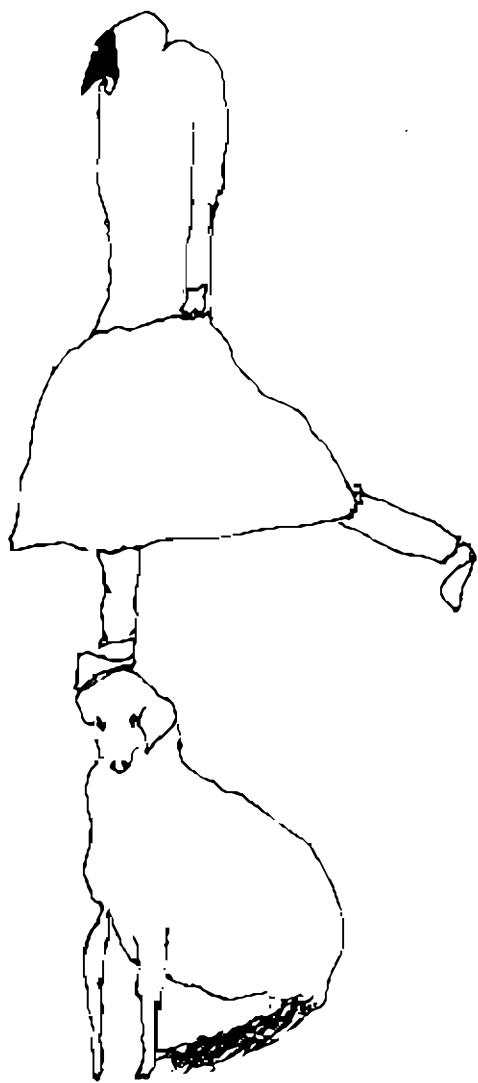
ستحب رایع است، ترک امور مکروه رایع است.

\*\*\*\* جمع مباح؛ امری که فعل و ترک آن منواری باند.



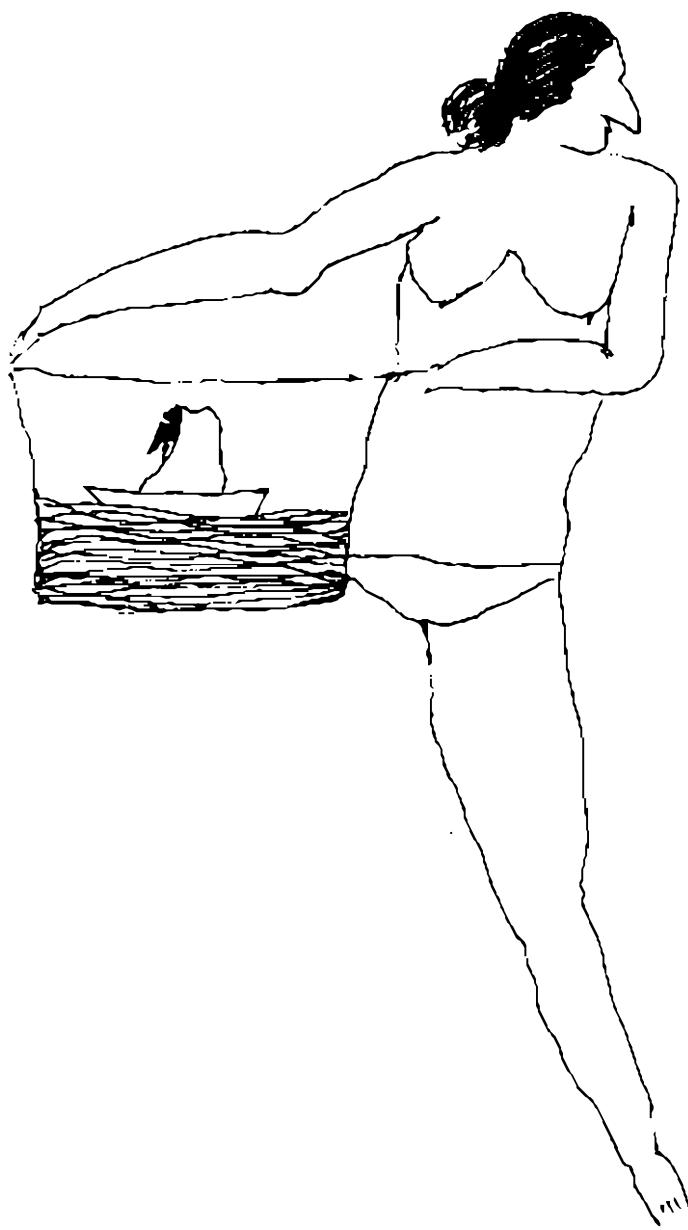
افضل علمای زنان پنج نفرند: اول میر شاه زنیب، دوم کلثوم لنه، سوم خاله جان آقا، چهارم هاجی هامن، پنجم مده نوز آوا . و آنچه از اقوال آنها بدست پیاید، نهایت وثوق دارد و محل اعتماد است؛ و بغير از اين پنج نفر علمای بسیاری نيز هستند که ذكر آنها موجب طول کلام میشود. بدانکه هر زنی که سنى داشت باشد و پيرى و خرات او را در بیانه باشد ، دیگران به افعال او و ثائق تمام دارند و هر زنی که خلاف فرموده ایشان کند آلم و گناهکار باشد.

باب اول در بیان فصل ووضو و نیم- باب دوم در بیان نماز- باب سوم در بیان دوزه- باب چهارم در بیان نکاح- باب پنجم در بیان احکام شب زلف - باب ششم در بیان احکام و اعمال زایدین زنان و



ادعیه واردہ درباره زائو - باب هفتم در بیان حسام رفت - باب هشتم در بیان سازها و افعال آنها - باب نهم در بیان معاشرت زنان با شوهران خود - باب دهم در بیان مطبوعاتی که به نذر واجب می شود - باب یازدهم در بیان نمایل<sup>\*</sup> به جهت چشم زخم - بابدوازدهم در بیان محروم و نامحروم - باب سیزدهم در بیان استجابت دعا - باب چهاردهم در بیان آمدن مهمان - باب پانزدهم در بیان صیغه خواهرخواندگی - باب شانزدهم در بیان چیزهایی که بعد از خواهرخواندگی برای یکدیگر می فرستند - خاتمه در بیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کبر المتفق .

▪ دعایی که نوشته به گردن ها بازو بینندند تا دفع چشم زخم و بلاکد.

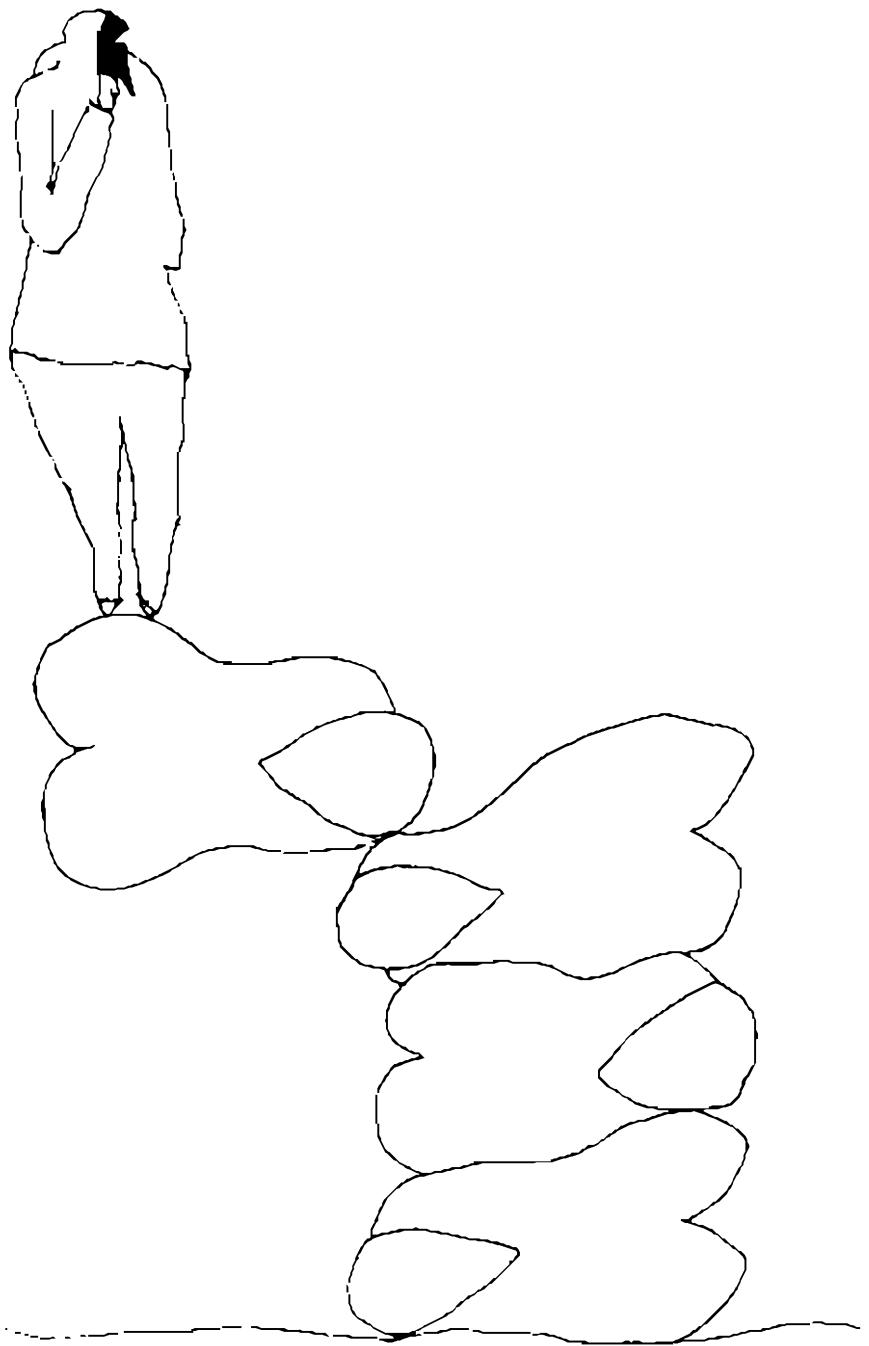


باب اول

## **دربیان وضو و غسل و تیم**

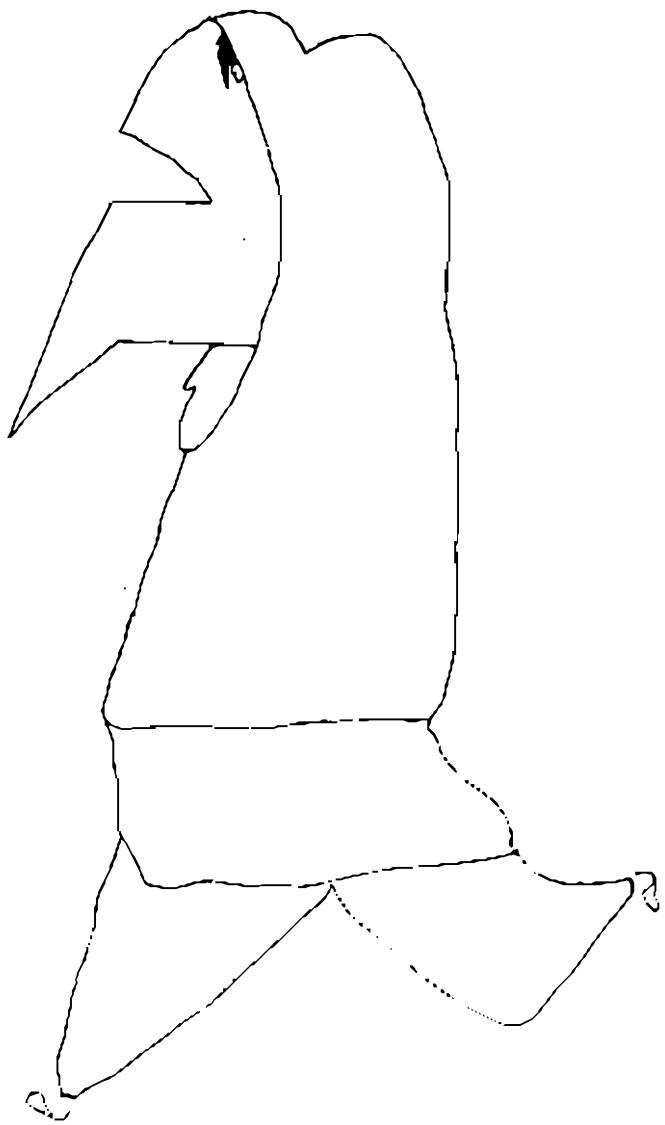
بدان که اجماع فنای زنان است که وضو و غسل واجب است  
مگر در چند موضع : وقتی که دست راحنا و نگار\* بسته باشد با  
ابرو گذاشت باشند بازارک\*\* بر ابرو چبانیده باشند؛ در این صورت  
ترک وضو و ضل واجب می شود و اگر علیه ملکور نگار را  
تا سه روز مانع می داتند و می گویند بی بی شاه زبب تا هنچ روز

نفع که از حنا بر دست و های محرب گشتند.  
مه یکی از هفت آرایه زنان قدمیم، سیرزا مادی خان اسری فراهانی  
(ادیب السالک) هر هفت را در این در بیت گودا آورده است:  
حلت پیرایه شد به روی بستان  
که از آن باغ سن سرام است  
زیک و فزان و سنه آب است.  
رسمه و سرمه و نگار و سبک

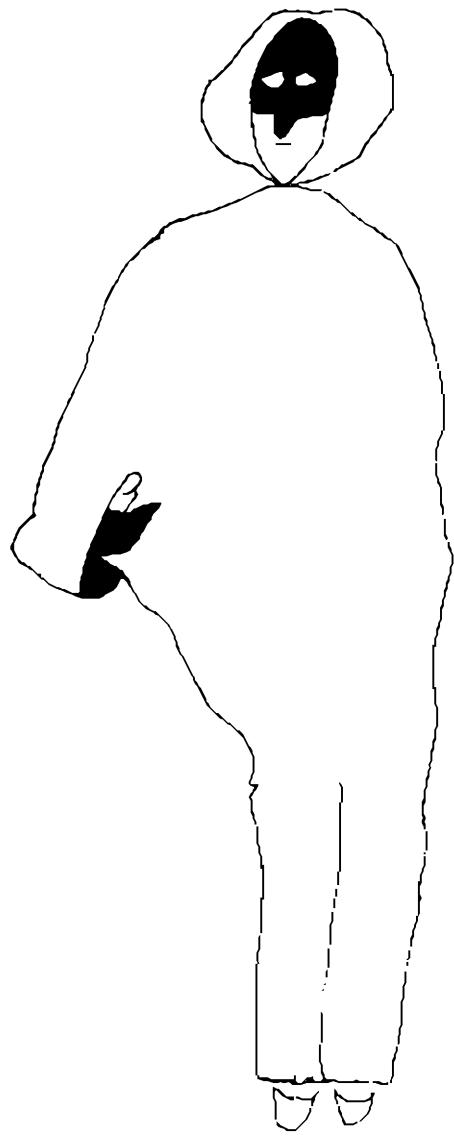


با شش روز و پسرو را ساقط می داند، و همچنان قبل از بتن نگار  
نامفت روز و پسرو بازند، حرام است و بعضی هم مکروه دانسته اند.  
اما غسل ، هرگاه زنی جاریه<sup>\*</sup> درخانه داشته باشد و کسی  
از خویشان زن هم حاضر نباشد که از شوهر او مخبر باشد و زن  
شوهر را امین نداند که مبادا به حمام رو دشوهرش با جاریه مقاربت  
نماید در این صورت ترک غسل کند تا مانع رفع شود. کلثوم نه نا  
یک هفت را جایز دانست و برخی بیشتر و بعضی کمتر گفته اند ، و با جی  
پاسمن نایک مادهم اجازه داده ولی با او در این قول کسی موافقت  
نموده و قول اول به احتیاط اقرب است . و دیگر هرگاه لذتگ  
زن پاره با کنه باشد و شوهرش و عده کرده بگیرد ، مادامی که  
نگرفت است غسل سلط می باشد و این قول اجماعی است . أما

• کنیز لار



حاله جان آقاوده بزم آرا گفت اند که اگر زن برادر شوهرش که او را  
جاری گوبید ، لئک نو داشته باشد و شوهر برای اونگلبرد مادامی  
که شوهرش لئک نگرفه باشد غسل از ار ساقط است و هرگاه  
غسل کند فعل حرامی کرده باشد ؛ و برخی مکروه دانسته اند . و  
دیگر هرگاه مرد اجرت حمام زن را نموده و بیرون رود ، غسل  
از آن زن ساقط است هرچند مدت بگذرد ؛ و جمعی تا سه روز  
فائل شده اند و دده بزم آرا گفت که اگر زن اطبیان دارد که بعد  
شوهر اجرت را خواهد داد جایز است از خود بدهد و غسل کنید  
از شوهر بگیرد . کسی در این قول با او موافقت ننموده و این قول  
حالی از اشکال نیست .

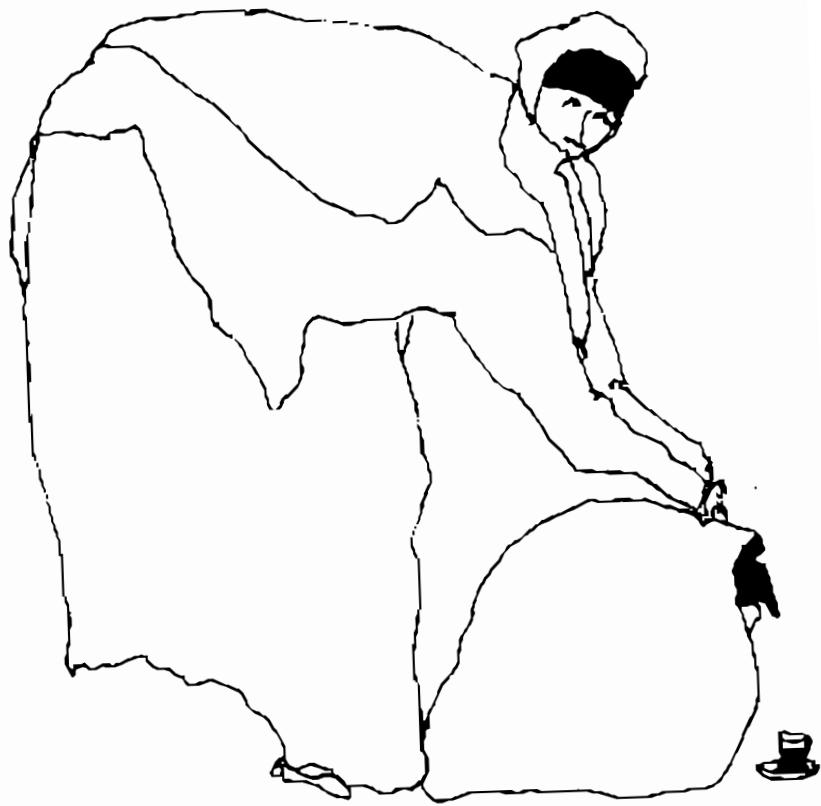


## باب دوم

### دریان

### او قایی که نماز ساقط و ترک آن واجب است

اول در شب های عروسی . دوم در حضور سازن و نقاره‌جی .  
سوم وقتی که زن خوبشان خود را در حمام بیند لازم است که ترک نماز  
کند و حالات شوهر را به خوبشان گوید . چهارم روزی که به  
موعظه شبden رفته باشد . پنجم روزی که جامه نوپوشیده باشد و  
نرسد که خرد و ضایع شود ، در این صورت خاله‌جان آقا ترددی  
دارد و گفت که ترک نماز مستحب است نه واجب و این قول خالی  
از قوه نیست . ششم روزی که زن ، زینت بعد کرده باشد ؛ با به  
عروسی رفته بازنی که شوهرش در سفر مانده باشد . و این قول  
اجماعی است و در چند جای دیگر هم و جوب ترک نماز را نوشته‌اند  
که چون متنش ضعیف بود و اختلاف داشت ابراد نند .



## باب سوم

### در بیان روزه

بدان که زنان را چندین روزه می‌باشد که به آن روزه به  
مطلوب خود می‌رسد.

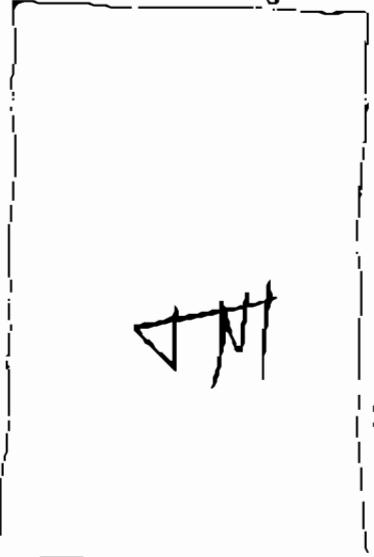
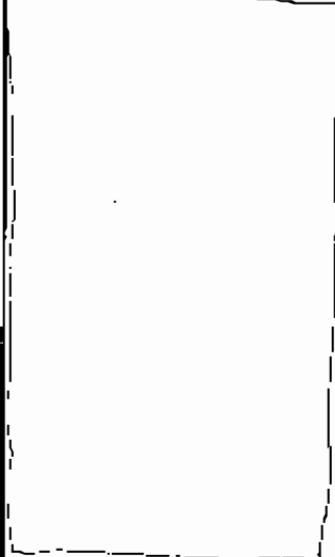
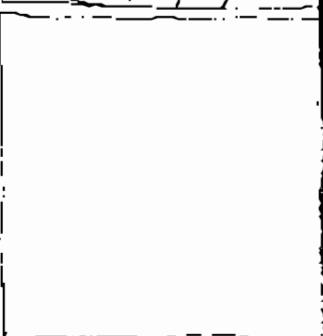
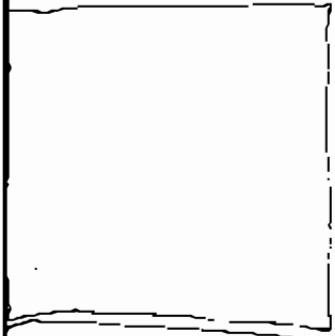
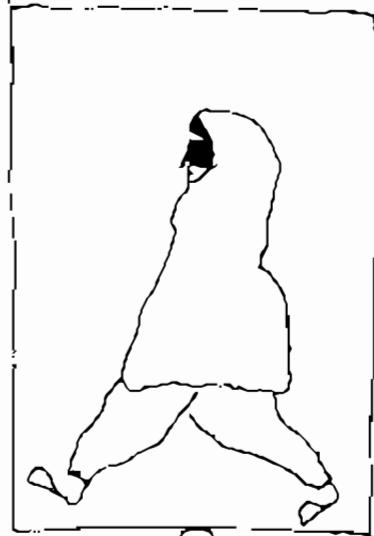
اول روزه مرنصی علی، و آداب آن این است که بايد حرف  
نزنند و از جهت افطار به خاتمه هارك گلایی کنند. به این نحو که به  
درخانه ها قاشق بزند و بادمت در نکوید و از وجه گلایی بونج د  
ماسن و خرما بخرد، و در وقت عصر یا پرهته از همان اجناس  
گلایی چلوی طبخ کرده و شب به آن ما افطار کنند. کلکوم ته و  
بايجی یامن را اعتماد آن است که قاشق را به غربال بزند و این  
احوط<sup>\*</sup> می‌باشد، و دده بزم آرا گفته اولی آن است که روزه را

۵ به اختصار تزدیکن.

روز دوشنبه بگیرد و این قول انوی است .

دوم روزه هفدهم ماه رجب، و آن تا ظهر است و ظهر باید  
انظار به نند و کنجد کند . و بی بی شاه زینب گفته که کنجد و نند  
از چهل گدابی گرفته شود .

سوم ابضاً روزه مرتفعی علی است ، و آداب آن این است  
که از هفت خانه آب چاه بیاورد و با آن آب انظار کنند و دو رکعت  
نمایزی بگذارد . و بی بی شاه زینب گفته که باید از وجه گدابی بک



شیع ویک کوزه بگیرد، و کلومت شیع را منح می‌داند و این  
مثله در وجوب و استحباب اختلافی دارد، و خاله جان آلا گفت  
که این روزه را دعترنلار کند و بگیرد که به شوهر برود، و بر سر او  
زن دیگر - که با اصطلاح هو و گویند - نکند و حاجت او برآورده  
شود. و بی بی شاه زب و دده بزم آرا و کلومت گفت اند که از  
جهت گشادن بخت دختران وزود به شهر رفتن ایشان به منار مشهور  
کون بر تجی رفته بگویند؛



ای منار کون یونجی  
 حرفیت می زلم ز من فرنجی  
 میون من دسته می خواهد  
 مرد کمر بسته می خواهد  
 بعضی بر آنند که باید گردکانی را روی پله گلدارد و با مقدار  
 خود بشکند و کلثومت می گویند که باید باطرف راست مقدم بشکند  
 و اپسًا کلثوم نه گفت اگر دختر سرین \* بر گوشت داشته باشد و  
 تواند گردکان را بشکند، باید نخه بر روی گردکان گلدارد و مقمه  
 خود را بر تخته زند که به اسماق نخه گردکان را بشکند و این خالی  
 از قوه نبست .

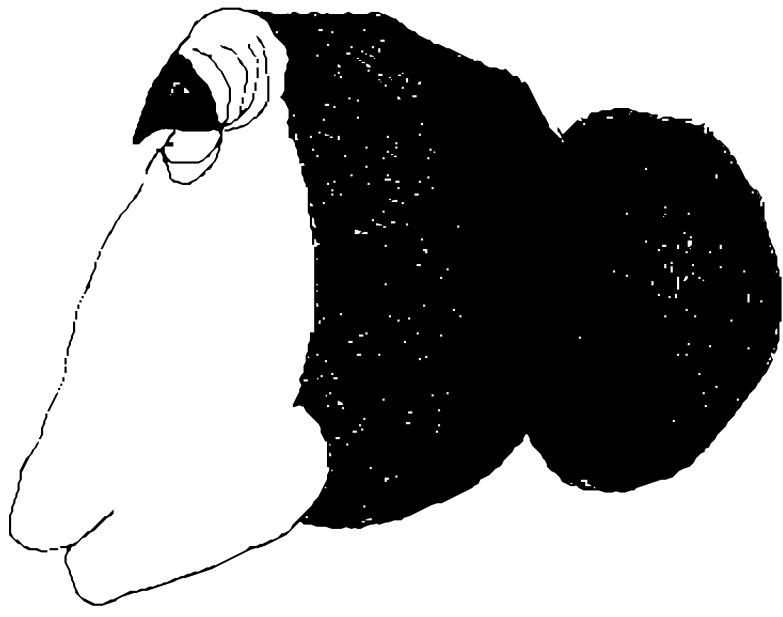
۶ کلل .



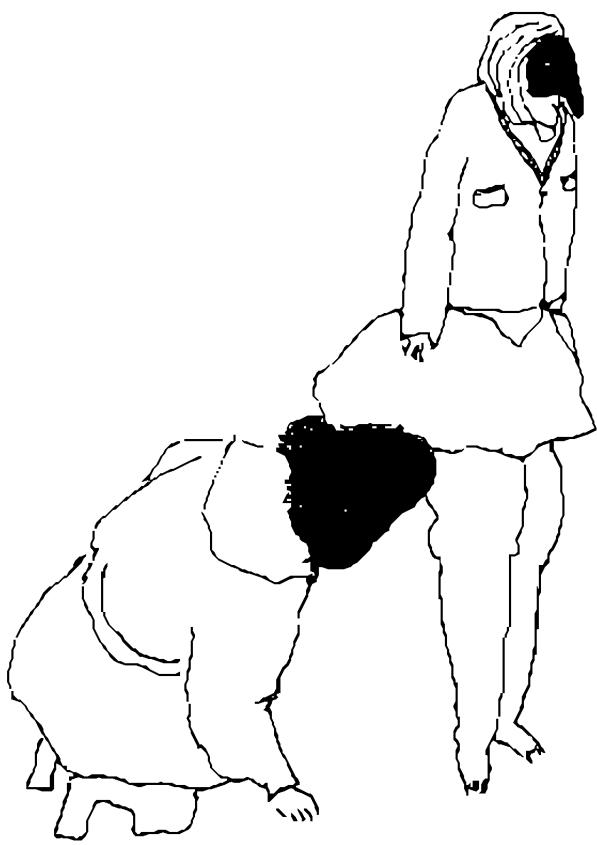
## باب جهادم

### دریان نکاح

واجب است نام پندها را بگشاید حتی بند زیر جامه، وظیتی  
سرنگون گذارد و در زیر آن چرا غی برزآند از روغن طعام؛ و  
دختر بروی زین بشتبند. و باجی یاسمن گفته عرگاه زین بانت  
نشود بالشی گذارد و روی آن بشتبند و قدری نبات بربردازار خود  
گذارد؛ و بی بی شاهزادب آن را واجب و دیگران منحصرب می داشت؛  
و کلومنه گفت که هل نیز در میان دست خود بگیرد و خاله جان  
آما گفت که آن نباتی که بربردازار گذاشته در وقت بیرون آوردن  
به دست خود به دعن داماد گذارد که در نظر داماد بسیار شیرین  
مس نساید و این قول خالی از توه نیست.  
و دیگر چادری که داماد آورده در وقت عقد باید بر سر عروس



انداخت. و جمیع علماء اتفاق دارند که هیچیک از لباس‌های عروس  
نایابد گردد داشت باشد زبرای که مگرده به کارش می‌افتد، و دده‌بزم آرا  
گفته که عروس در وقت عقد بر آینه نظر کند، و خاله‌جان آنا  
گفته که در وقت عقد مستحب است که تخم مرغ، عروس به دست  
خود بگیرد، در وقت برخاستن رو به فله آن تخم را به دیوار زند، و  
کلثوم‌نه این را اسراف می‌داند و خاله‌جان آقا ذکر کرده که هر  
دختری که خواهد بخشش باز شود، ابریشم سبزی به سوزن کشیده و  
در وقت عقد بستن عروس، آن سوزن را فروکند در چادر عروس  
و بعد بردارد و بر سرخود زند که مسرب است.

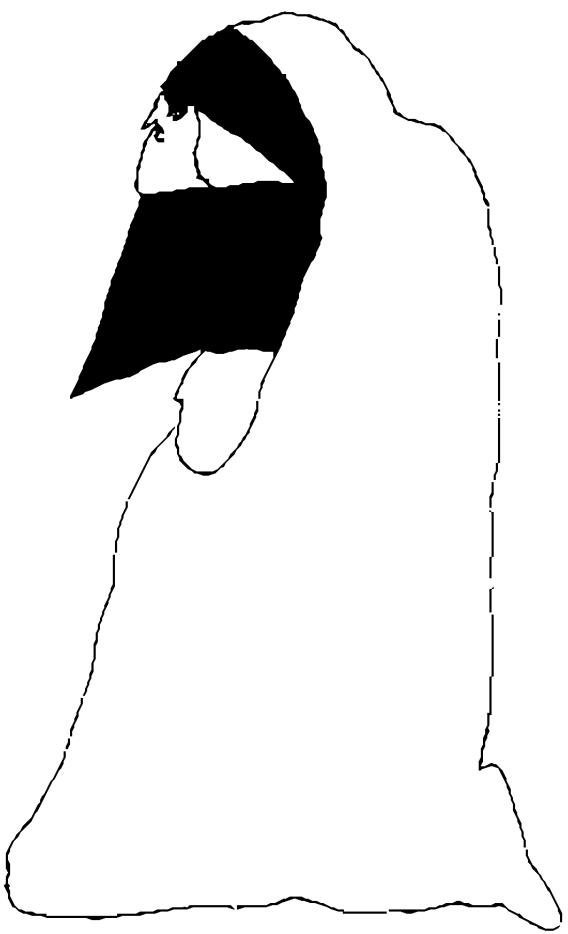


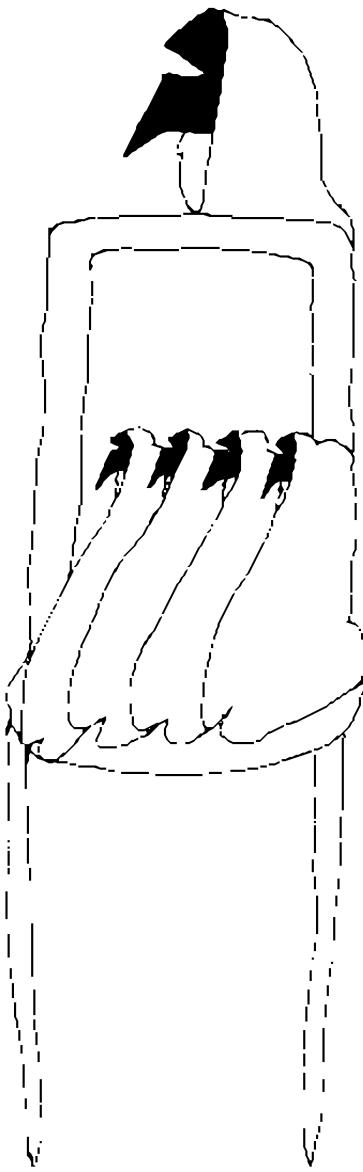
و دیگر ، دختران مادامی که به شوهر نرفت باشدند نوره ۷  
کلیدن مکروه است ؛ و باجی باسن گفت که دختر باید از الامو  
را به بند انداختن بکند ؛ و ددهبزم آرا به سوزانیدن غائل است . و  
بیشی شاهزادب گفت که زائل کردن مو مکروه است ۸ تلیل از شوهر  
کردن هر چند صد ساله باشد و مویش یک چارک باشد اما کسی با او  
موافقت ننموده .

و دیگر از مسائل مهم عروسی آن است که در موقع حمام  
بردن عروس را لفظه ۹ سالند که بدن و فرجش فرم و نازک باشد  
که مناسب ابن مقام شاعر گفت :

و باجی گفتند .  
.. یا الخلق ؟ ترکیبی امتا از طریق خلخ ساند مذک و صبر د  
کافر و نظایر آن .

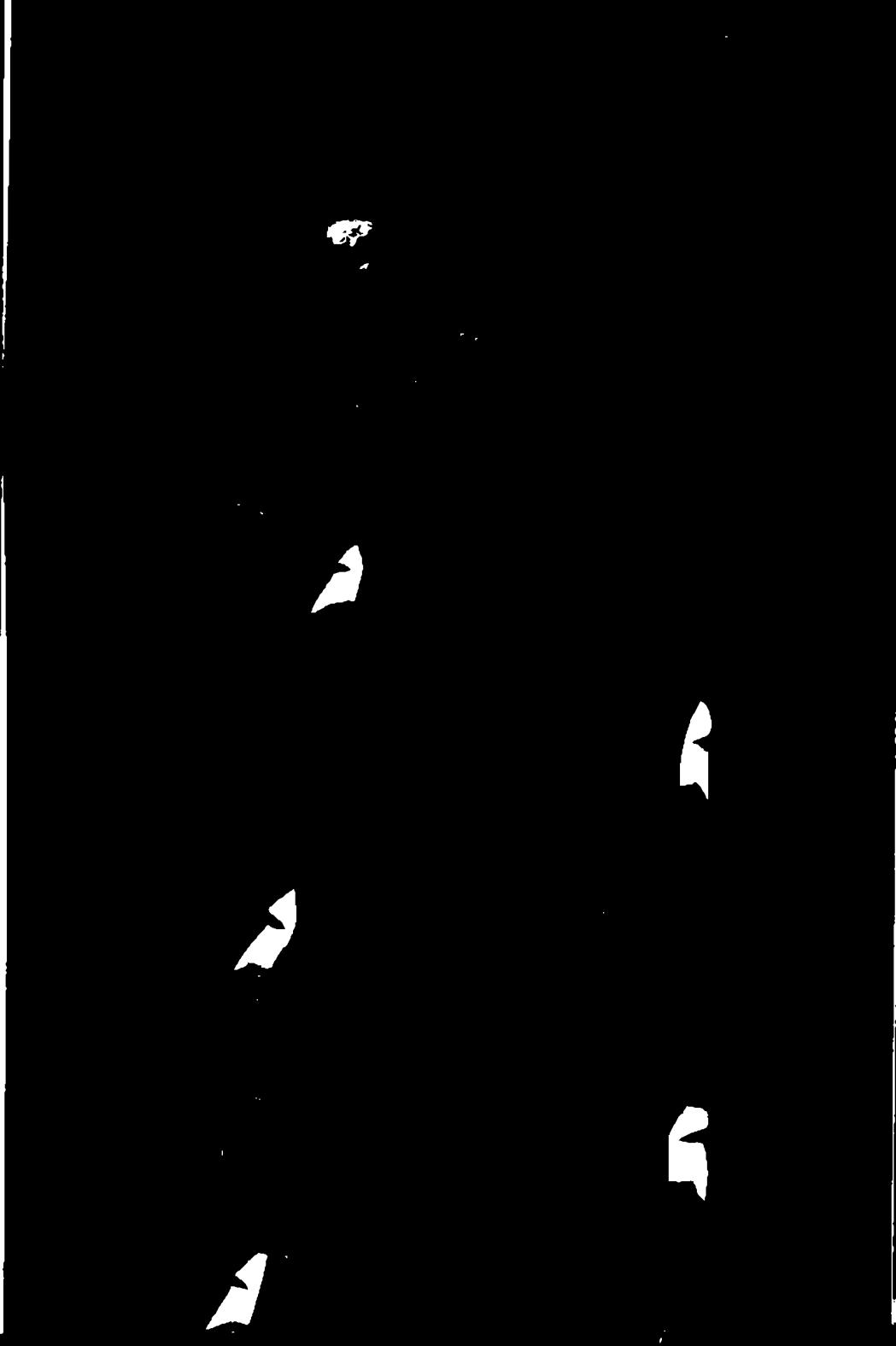
ز فرب لغه از بکه بد صاف  
ز ببه بوسه می غلطید نا ناف  
اجزای لغله از این قرارند : کبرای سبدی و گل خطمی و  
عرق بنفسه و عنبر . باجی یاسن گفته که داخل کردن مثک واجب  
است ؛ و بعضی مستحب می دانند ؛ و بعضی مکروه می دانند.  
و دیگر ، بند انداخن دختران را و گربتن ایشان را ، کلروم  
نه مستحب می داند ؛ د بعضی مکروه می داند ؛ و بعضی واجب ، و





این لول آنروی است. و اعتقاد اکثر علمات که دختران در موقعی  
که خانه هشتاد در باب شوهر کردن خود باید عاکت حاجت شان  
بوآورده می‌شود، و در وقت آمدن دلاله<sup>\*</sup> زینت کردن و در  
پشت کار نشتن که بند<sup>\*\*</sup> خود را بر دل الله ظاهر مازند، واجب است؛  
و بحیثی شاهزادین پشت کار نشتن را مستحب دانسته و این لول به  
احتیاط اقرب است.

ه ذی که برای دختران تحریک، وزنان بپره شوهر، و برای مردان زن  
بپدا کند.  
ه دختر و زن که اگر کون نند گیرید.



## باب پنجم

### در بیان احکام شب زفاف

هدان که اگر بستن عروس و مادرش در شب عروسی واجب است، و داماد هم به تسامی زن‌های که در آن حضور هستند محروم است. و دده‌برم آراگنه داماد با هزار نی ملاعنه و دستبازی کندمی تو آن‌د کرد؛ و بایجی بامتن و بامسیر علماء آمدند مادر عروس را به حالت داماد در شب عروسی فعل حرام می‌دانند و واجب است که عروس و داماد در شب زفاف پای راست را برپشت پای یکدیگر گذاشته و هر یک پیشتر گذارد، از دیگری ساقط می‌شود. و کلثوم‌نه گفته که اگر شوهر متقدم دارد، بر عروس غائب آید، اگر عروس متقدم دارد، بر شوهر غالب آید. این امر تجریه شده است و اگر کسی عمل آئی شکنند

۰ ملاعنه، شوحی شروع صریح است.

ترنی بکی از فراموش کرده باشد و آشام است و اگر سه و آ فراموش  
کرده باشد . فساکند هر چند مدتی گذشته باشد .

و دیگر واجب است که در موقع آوردن عروس ، شمع عروسی  
در جلو روی عروس باشد و بیش از یک ذرع و یک چارک فاصله  
نباید . و خاله همان آفتاب سه ذرع تجویز کرده . و نقاره و سرنا و  
کسانی را که از عتیب عروس می آیند ، بی بی شاه زینب و خاله همان  
آفتاب کشومنه واجب می دانند . و اهل خانه عروس را با داماد  
باربد شربت بدھند . و کشومنه واجب می دانند . بنجی یاسمن گفتنه  
که عروس را در خانه خودش مادر یا خواهر بادلاه تعلیم کند که  
با شوهر حرف نزنند و چیزی تخریب نداشته باشند چیز به او بیخشد

1

2 2 2 2 2

3

و یا به گیردن گیرد : و این را به اصطلاح دندان گلی \* گویند ، و هبیچ یک از علماه در این باب اختلاف نکرده‌اند . و هرگاه شب زفاف باران آید ، باجی باسمن را اعتقاد آنست که عروس ته دیگر خورده است .

و دیگر نبات به دهن یکدیگر ریختن عروس و داماد را واجب است و از شیرینکاری‌هاست : و در آینه نظر کردن بر هردو واجب است . و بی‌بی شادزینب گفته که نقل بر سر آنها ریختن از واجبات است و نیز واجب است که آن زنانی که حاضرند ندار را از سر آنان بربایند و این را به اصطلاح گشایش گویند و خاله‌جان آقا گفته که اگر نقل بر سر مندلی \*\*\* داماد مانده باشد هر که آن را بردارد و بدجهت مطہی بخورد البته مرادش برآورده شرد ، و دایر دزدن

رونمای داماد به عروس در شرک زفاف .  
\*\* عمامه . دسوار .

واجب است و خواندن زنان به صدای بلند که :

بادا بادا ، خانوم مبارک بادا

امشب چه شب است؟ شب و صال است امشب

این خانه پر از شمع و چراغ است امشب

\* آقامبارک بادا ، خانم مبارک بادا ، جانم مبارکادا ...\*

تا آخر اجتماعی علم است و این تصنیف واجب است خواندن.

دیگر رختخواب داماد و عروس را بساید زنی بیندازد که

نیکبخت باشد یعنی هو و نداشته باشد و دوشوهر نکرده باشد و شوهر

دوست باشد . و نیز واجب است همه زن های حاضر در پشت در

» در نسخه جاپ مشهد چنین آمده است .

بادا بادا بادا خانم مبارک باد

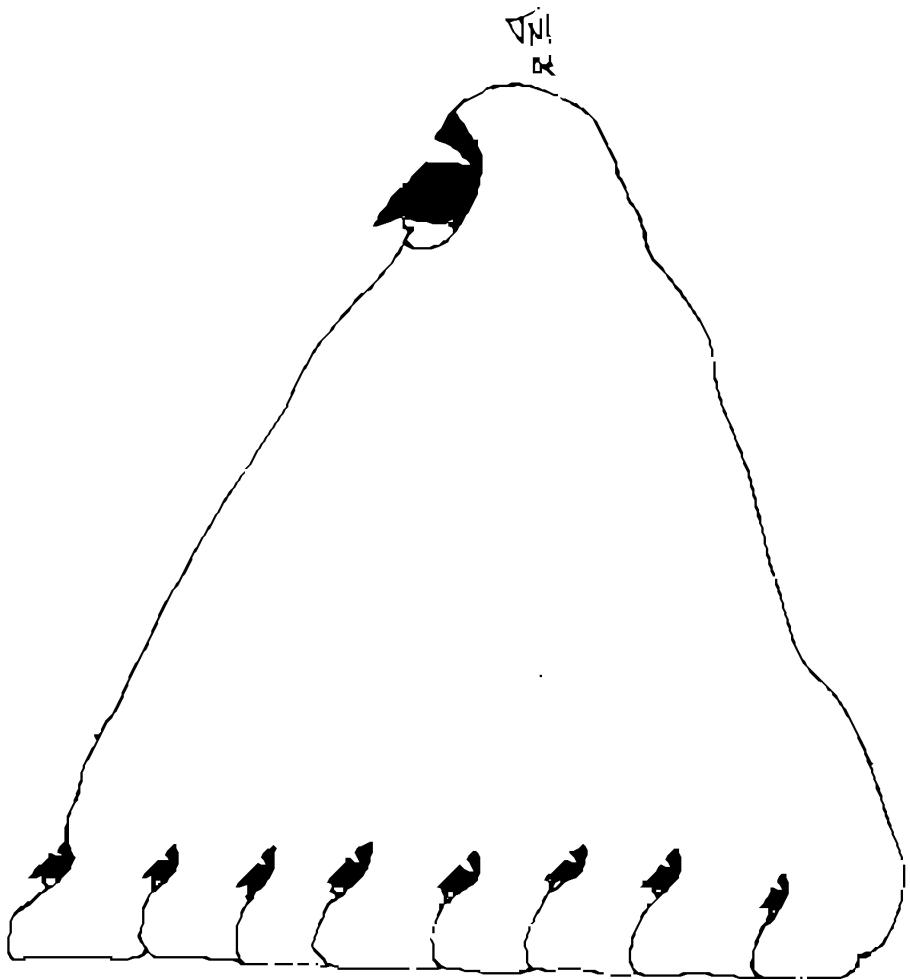
امشب چه شب است شب و صال است

این خانه پر از چراغ و لاله است .



و پنجه های اطاف عروس و داماد بنشستد و حرکات و اقوال آنها را ببینند و بشنوند ، و بعد از آن در وقت نماز ، نمازرا ترک نمایند و آنچه را دیده و شنیده‌اند به بکدیگر بگویند و بشنوند و بخندند که ثواب بسیار دارد .

و نیز واجب است عروس را به مجلس در آورند و دایر هزنند و رقص کنند و همان ایيات را بخوانند ، و اگر در شب مقاربت واقع شده باشد و عروس باکر باشد ، خونی که از بکارت او آمده ، که زنان آن را در عرف نشان گویند ، به سینی گذارند و به نظر حاضرین رسانند تا عروس و منسوبانش سرخ روشنند و الا از لثه جنس کمتر شوند . و حاله جان آقا گفته که بهتر آنست که آن سینی از تنراه باشد و کلثوم تنه گفته که اگر مقدور باشد از طلا بهتر است : و دیگر واجب است که در آن روز هل و گلاب به عروس دهنده که اول پرسزاید و این قول قوتی دارد .



## باب ششم

### دریان احکام واعمال زالیلین زنان و ادعیه\* وارد ده در باره زالو

بدان که وقتی زن را دردگیرد و دیرزاید و دیر فرزند از او مُرلک شود طریقاً معالجه آن است که ماما خطاب کند به طفل و اشاره به فرج زان رکند و بگویید: رخت برای تو دوخته‌اند و آب به جهت شتن نوگرم کرده‌اند، چیزی باقی نداری زود بیرون بیا، و این مُجرب است. و وقتی که وضع حمل شود زان را به رختخواب بخوابانند و طفل دا تزد او برسمین بگذارند و تا مش روز زان را سفیدآب به روی بسالند و میل\*\* کند و حال برابر بگذارند و

۰ جسم دعا .  
۰ آنکه بدوی بانلزی کلا بوسلا آن سرمه و تونبا به پشم کند؛ هوب سرمه کش .

باید رختخواب زالوسرخ نباشد زیرا که آن ضرر می‌رساند و برای دفع ضرر آن، ساما باید شیربرهت درست گرفته چهار طرف اطاق را با سر شمشیر خط بکشد و در وقت خط کشیدن بگوید:

خش می‌کشم ، خشن می‌کشم

خش های خشن خشن می‌کشم

و به زالهود رختخواب بگوید دورت را خشن کشیدم و باید ابه خش بگوید نه خط زیرا که آن ضرر می‌رساند . و دده بزم آرا گفته که شیربرهت را بالای سر زالهگذارند تاروز حسام رفتن، و این سجرب است به جهت دفع آن .

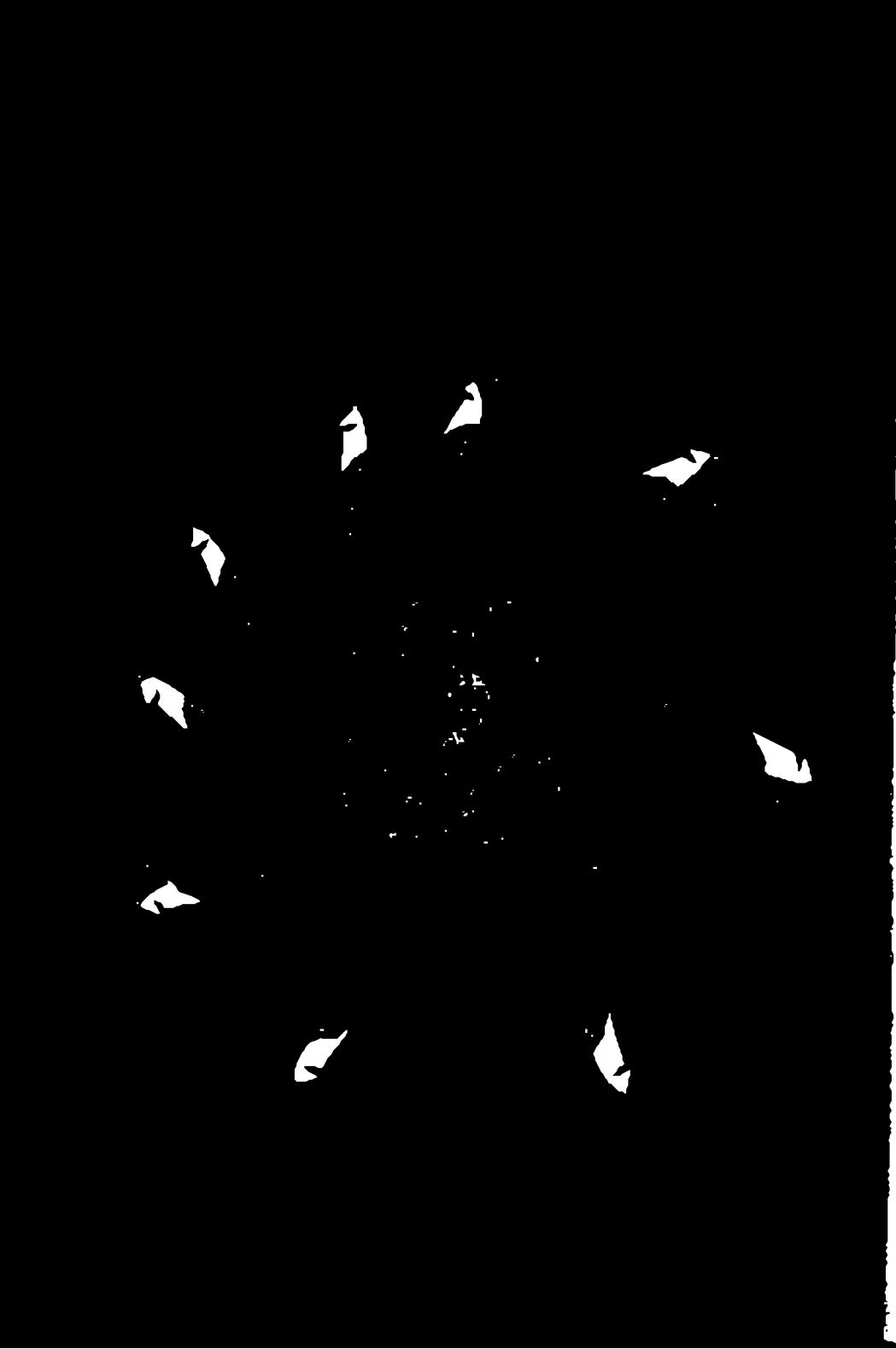
و در باب توکیب آدعلساه به اتفاق معتقدند که او بنکل زنی است ضعیف اندام و ضعیف صورت ، و موی سرخ دراز دارد و

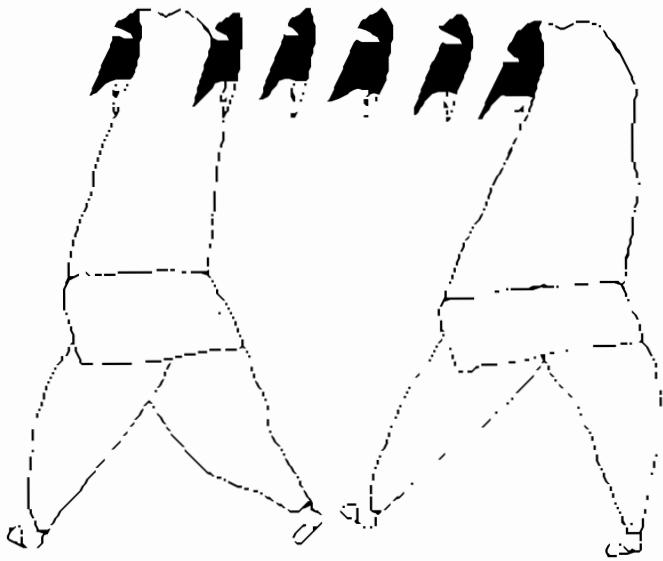


ین او از گل است چنانکه کلوم نه در وصف او گفته:

آل بشاغن بود مشکل  
گیس او سرخ و بینی اش از گل  
مگر بینی بگیر یئی او  
تاز زانو جگر نلزد و دل

از آن جا که این ملعون می آید و جگر زانو را می دزد  
و از آب می گذراند، اکثر علماء گفت انساد اس که از آب نگلش  
باشد علاج آن مسکن است و این قسم می توان کرد که اسبی بیاوردند و  
مردانه زانو جو ریخت، اسب بخورد، و اگر به آب رسابیه باشد  
دیگر علاج نمیریست و طفل شش شب باید روی زمین بخوابد و  
مادرش شب مفتم باید او را به گهواره گذارد و آن شب را شب  
غیر گوبند، و باید شیرینی و خشکبار حاضر کند و ماما دست بهجه  
را بادشممال بر پشت سرش بستدو اشیاه ملکوره را که به اصطلاح





تو شگفتید به بجه بخوراند و این عبارت را به حضار بگردید:  
بکیر بجه را!

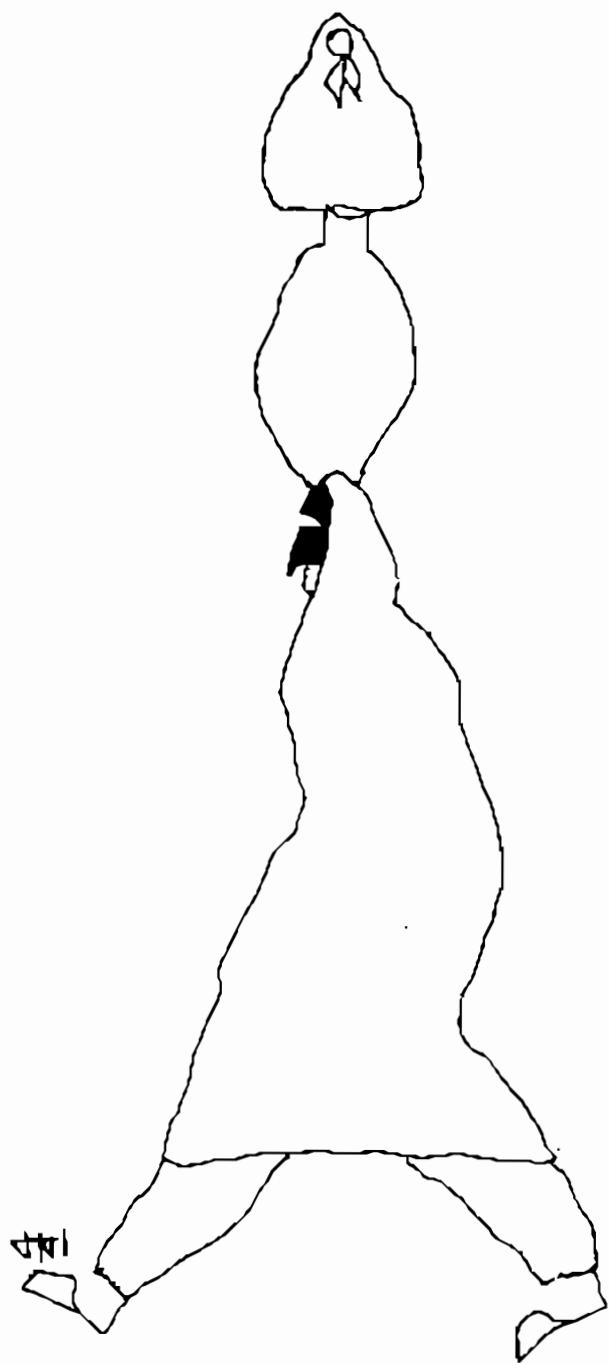
و بکی بجه را از دست ماما گرفته به دیگری گردید:  
بجه را پستان!

بعد از آن هکوبید: خدا نگاه دارد و بجه را بگیرد، و به قول  
دده بزم آرا هریک از زنان حاضر باید چیزی به ماما بدهد ولوبک  
سوژن و سنجاق هم باشد.

و خاله جان آنا گفت که باید ماما گردکانی را در بالای  
گهواره بشکند و درین شکنن رو به طفل کرده بگربد که اگر مدادی

می شود، ترس. و اگر پدر و مادر تراع کنند نرس و اگر سگ و  
کلاخ با هم مذاکنند نرس.

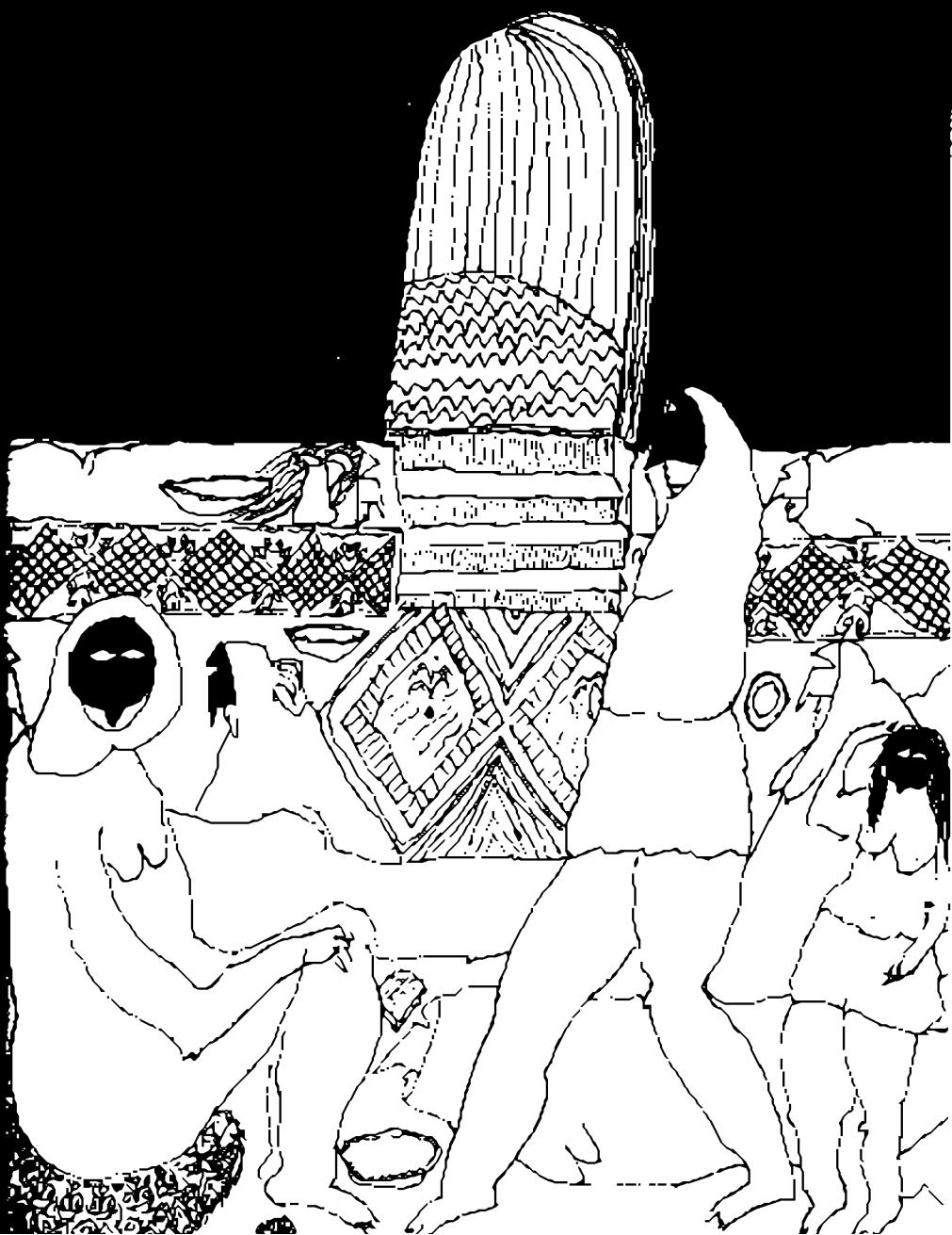
و دیگر زاتر را وقتی که به حمام می برد گرد کانی را زانوباید  
خود بشکنند و این خالی از قوه نیست و سه عدد بیاز یا پنج عدد در  
وقت زاییدن یا خوابیدن ترد او بگذارند و باید پیازها را به میخ  
آن بکشند و در روز حمام رفتن باید زانو پیازها را از سینه برآورده  
به آب روان اندازد. و دده بزم آرا گفته که متز آن گرد کان را که  
زانو به های خود شکته بخورد برای درد دندان بسیار نافع است  
و بعد از آنکه به حمام بروند باید که در مر حمام سازنده حاضر  
نمایند و چرا غان کنند و اگر این را مستحب می دانند و بعضی



واجب می‌دانند، باجی پاسن گفت که قادوت<sup>\*</sup> نیز زائور باید بخورد و کلروم نه گفت که این قادوت باید از نخود و قند باشد و باجی پاسن از چیز دیگر نیز تجویز کرده.

و بعد از آنکه زانو را از حمام بیرون آورده باید که سفیدی نخم مرغ را تسام برآرند و نبات و دارچین و مل را سائیده بر روی او پاشیده زانو از آن بخورد و بعضی هفت عدد گفت‌اند و تا نه دانه هم گفت‌اند؛ و آن کسانی که با زانو هستند منصب است که هر کدام یک عدد یا بیشتر بخورند. و دده بزم آرا گفت که هر گاه از شمع عروسی چیزی باقی مانده باشد در سر حمام سوزاندن منصب است و جمی گفت‌اند واجب است.

ه مخلوط آرد سیوهات بو داده با شیرینی عسلک ، نرم آرد نخودی که با فند نرم مخلوط کنند .



## باب هفتم

### در بیان حمام رفتن

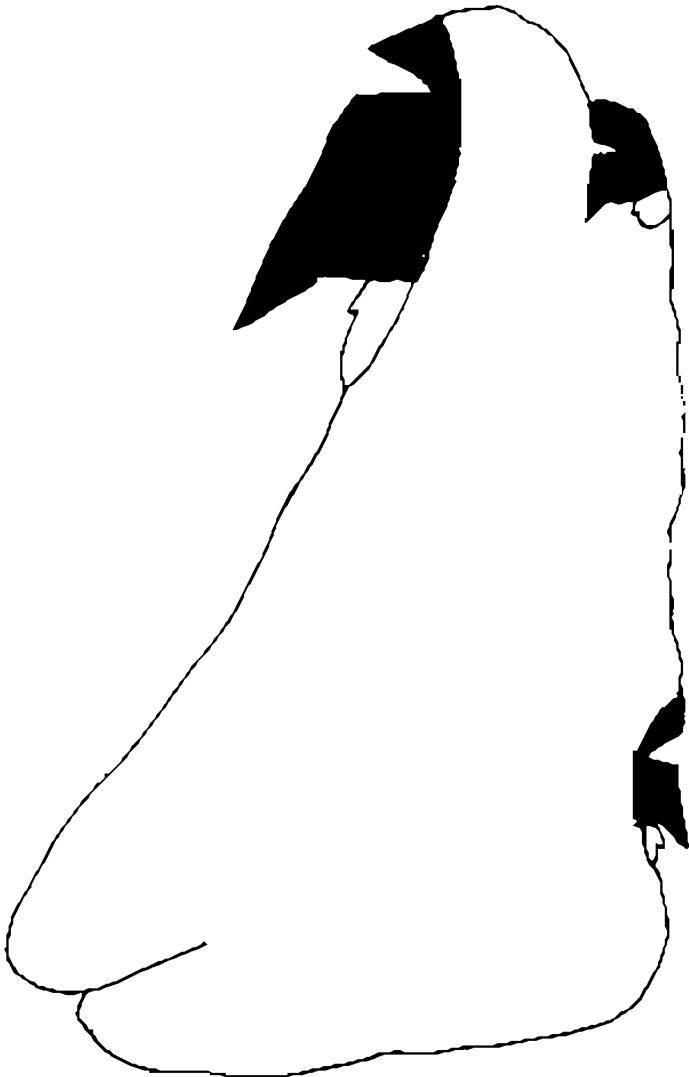
هدان که اکثر علای زنان گویند که ستر عورت پیش، واجب نیست بلکه کشف آن واجب است؛ و جسم را عقبه این است که باید دو طرف باز باشد. و بایمی باسن گفته اگر زن لگک نو داشته باشد باید بینند و در وقت مابون زدن خصوصاً نوره مالبدن باید لگک بردارد. و پاره‌ای از علایه این امر را واجب و برخی متحب می‌دانند، اجسال انزوا نشود.

و دیگر در وقت نوره کثیدن باید زن‌ها دورهم حلقه زند و کشف عورت نموده، مشغول شوند و احتلاط<sup>\*</sup> نمایند. و کلثومت گوید باید حرفی که ما بین زن و شوهر ایشان گذشت بگیرید. اما

• گفتگو کردن.

ماکولات که در حمام باید خورده شود : زردک و نرب را واجب  
دانسته‌اند ، و حاله جان آقا گفت که خوردن ترقاله<sup>\*</sup> در حمام از  
جهت دفع درد سر نافع است ، و باجی یاسمن گفت که خوردن کوکو  
و شامی و ماهی که از شب مانده باشد سنت مؤکد است و خیار  
خوردن را نیز تجویز کرده‌اند ، و برخی دیگر خوردن آلوچه و نارنج  
و خربزه و هندوانه را موجب ثواب می‌دانند.

۰ مر خوردنی که قریب سرمه باشد ، برگ کل زرد آلوی خذک .





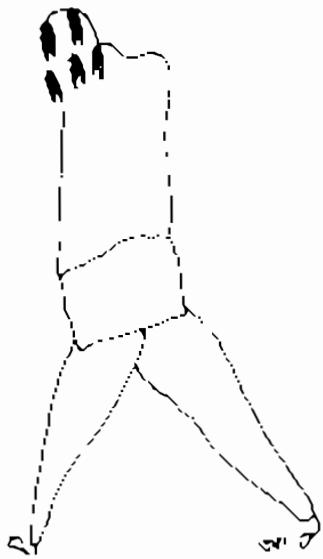
## باب هشتم

### در بیان سازها و افعال آن‌ها

بدان که دایره زدن ثواب عظیم دارد خصوصاً چهل حلقه،  
و مرقد و سبع نوباد نوابش بیشتر است. و میج یک از علماء اختلاف  
نکرده‌اند و اجبار است که در هر خانه دایره بوده باشد و اگر نباشد،  
کلثوم‌نه گفت که در عوض در پنجه و کرسی و سینی می‌توان  
زد و اگر مجبک از این‌ها بافت نشود هردو دست را برم زند،  
و این خالی از لوه نیست.

بدان که سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر که در اصطلاح  
چهارشنبه سوری گویند واجب است زدن سازها، چون این دو روز  
بلای بسیار از آسان نازل می‌شود؛ به سبب زدن سازها رفع بلا  
می‌شود. و در عروس‌ها و عدها و حنابدان‌ها و در وقت آمدن



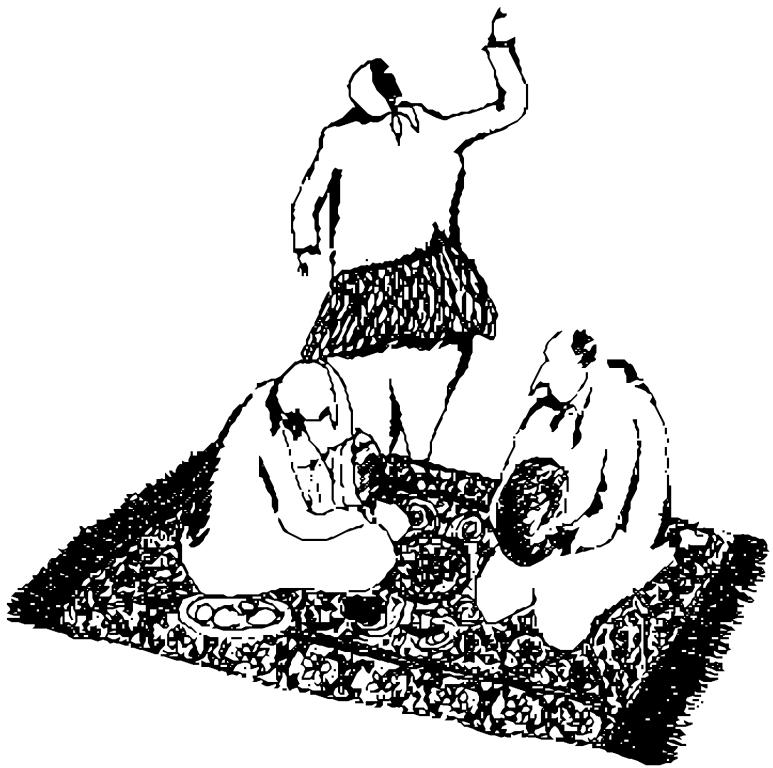


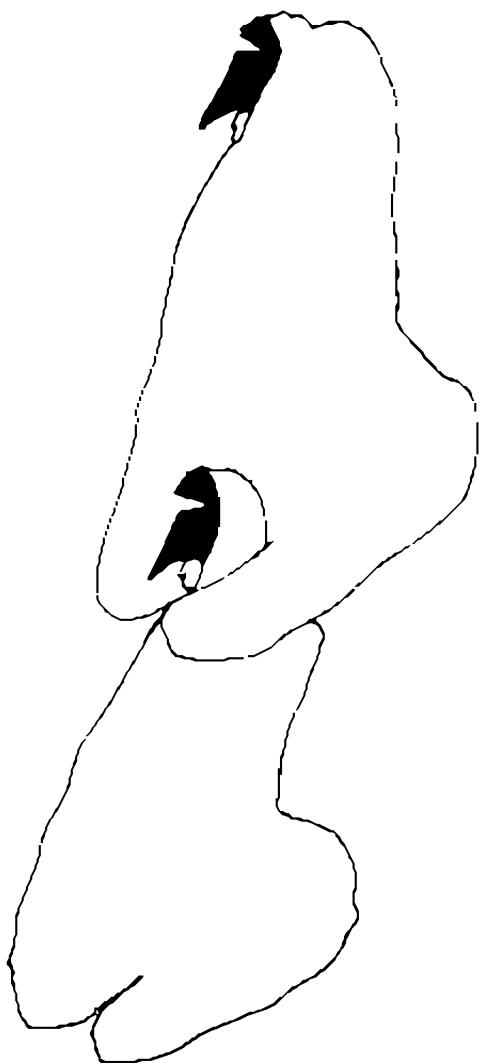
سفری \* و متولد شدن فریضه، در این اوقات زدن ساز واجب است. و در سایر اوقات مستحب است. در وقت آمدن نقاره‌چی واجب است که نقاره‌میز نشوند که بدون نقاره، شگرنندار دکه نقاره‌چی از خانه بیرون رود. و خاله‌جان آنرا گفت واجب است که همه زنان به درخانه رووند و اگر زن در نماز باشد واجب است که قطع نماز کند. و با هم یا مسن گفت

• سافر.



که باید زنان بر نقاره‌چی سلام کنند و این مستحب است. و اما اگر بختن  
از نقاره‌چی ملتوم است به اعتقاد باجی یاسمن و دده بزم آرا، و  
این قول خالی از قوه نیست. کلثوم نه گفته که در وقت غروب  
آذاب نقاره مستحب است که بکوبند، و باجی یاسمن واجب دانست  
و این اجتماعی علماست که هر گاه زنی ابتدا به کاری کرده باشد و  
مدادی نقاره‌چی بشود، بهشت بر او واجب نگردد.



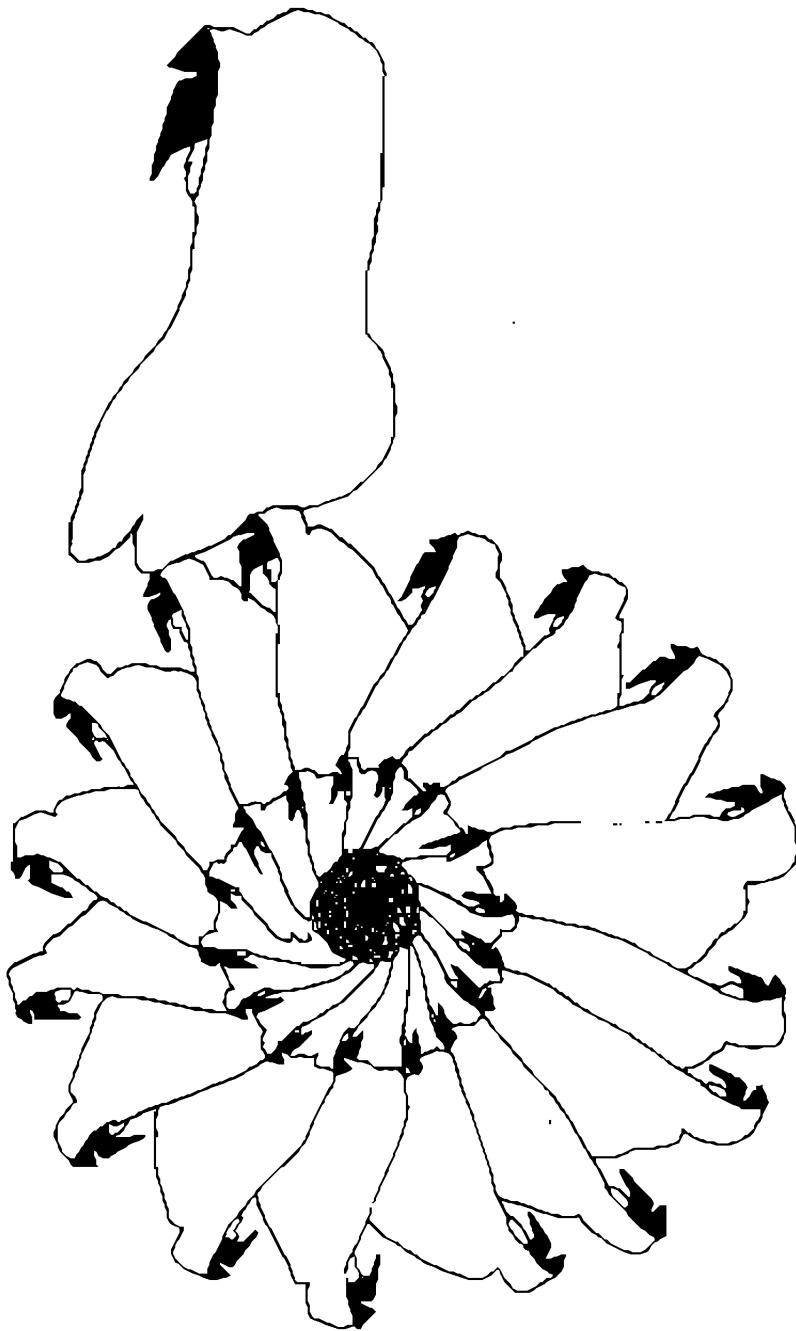


## باب نهم

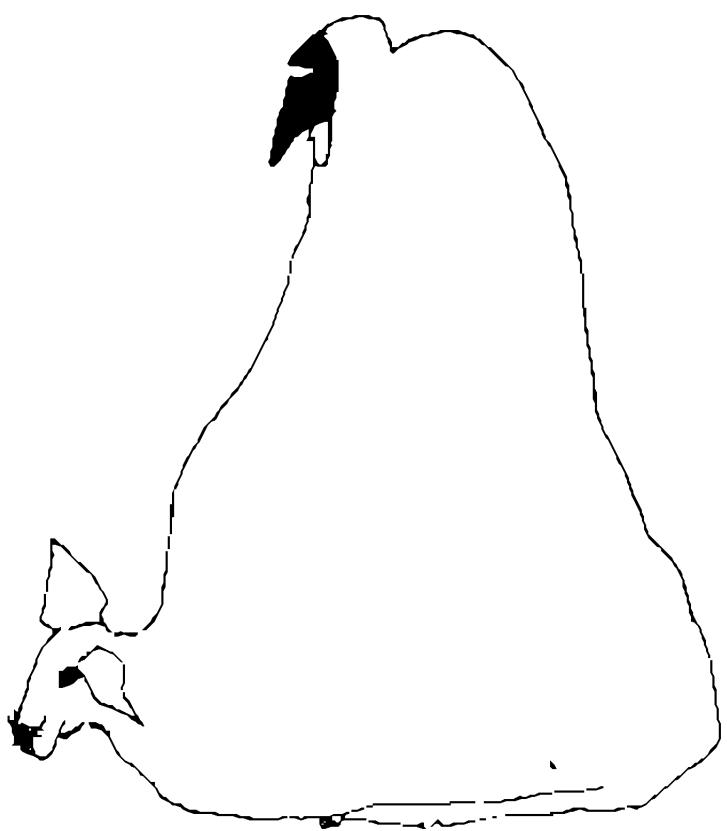
### دریان معاشرت زنان با شوهران خود

بدان که زن و فی از شوهر راضی شود که زن دیگر نگیرد و در شب و روز با او صحبت بدارد و هرچه اور را اسرکند بزودی انجام دهد و هر وقت از خانه بیرون دود چیزی از برای او خرید کند و یاورده، و بی بی شاه زینب گفت که هر گاه زن از خانه بیرون رود، مرد منع نکند. و دده بزم آرا گفت است که باید پول به زنان داد به جهت آجبل ایشان، و هر گاه مرد نمهد، زن خرد دخلى\* گفتگانی نکرده است. و اجسام علامت که عروس باید با مادر شوهر و خواهر شوهر وزن برادر شوهر که جواری یا - باد - گویند، دشمنی نماید و همچنین آن ها و اگر در دل با هم دوست باشند،

\* از سر خرج (شاند و . . . ) زدن و به جهت خود رسختن.



در ظاهر با هم دشمنی بکنند که از جمله واجبات است و نیز بر شاه  
زینب گفته که هر دوست باید هرچه مادر شوهر گوید برخلاف دختر  
نساید و مادر شوهر هبشه شکوه عروس را به هر کند و زن باید  
که هرچه بتواند اقترا به خواهر شوهر بندد. و گلثوم نه گفته هر گاه  
ما بین آنها تزاع واقع شود باید که اعضای بکدیگر را به دندان  
بگیرند و درنهایت شدت و غصب بکنند، خصوصاً گوشش فرج  
بکدیگر را اگر بتوانند بگیرند بسیار ثواب دارد، و این را در لغت  
زنان لقمه گویند. و نیز واجب است که اگر فرج زن صلحه خورده  
است در وقت جماع به شوهر تقصیر را به گردن خواهش گذاارد  
که با خواهش کتر محبت و سهربانی کند شاید به این سبب کسر  
به خانه او آید، و این نول قوتی دارد.



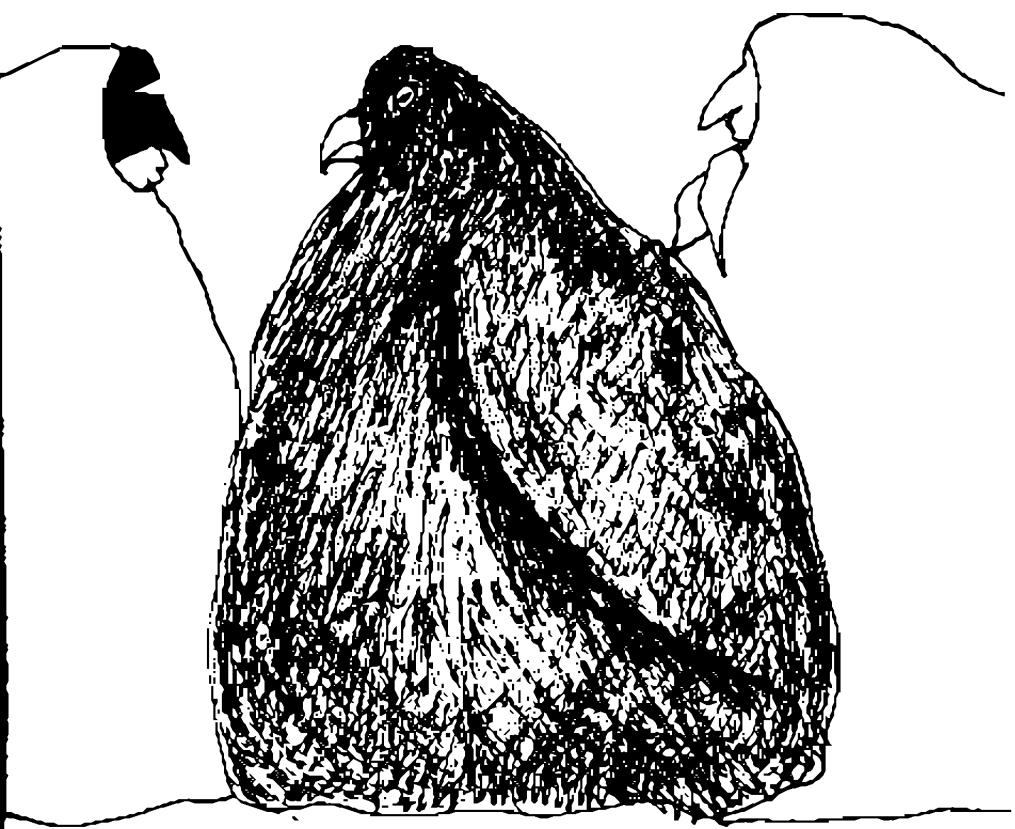
## باب دهم

### در بیان مطبوع خالی که به نذر واجب می شود

اول سمنو\* بدان که در وجه تسبیه سمنو اختلاف است ؟  
بی بی شاه زینب و خاله جان آقا را اعتماد آن است که وقتی سمنو  
را وضع کرده اند، سی من آرد و یک من گندم بوده است و آن در  
نفر غالند سه من است که از کتر استعمال سمنو شده است چنانکه  
در رسالته جداگانه متن و حاشیه تصریح نموده اند.

کلثوم نه گفت که سی من آرد و یک من گندم معلوم نیست  
و این سمنو بدون وی، واقع شده است. و وجه تسبیه آن آنست که  
چون مصالح و اجزای آن سه چیز است که آن آرد و آب و گندم باشد،

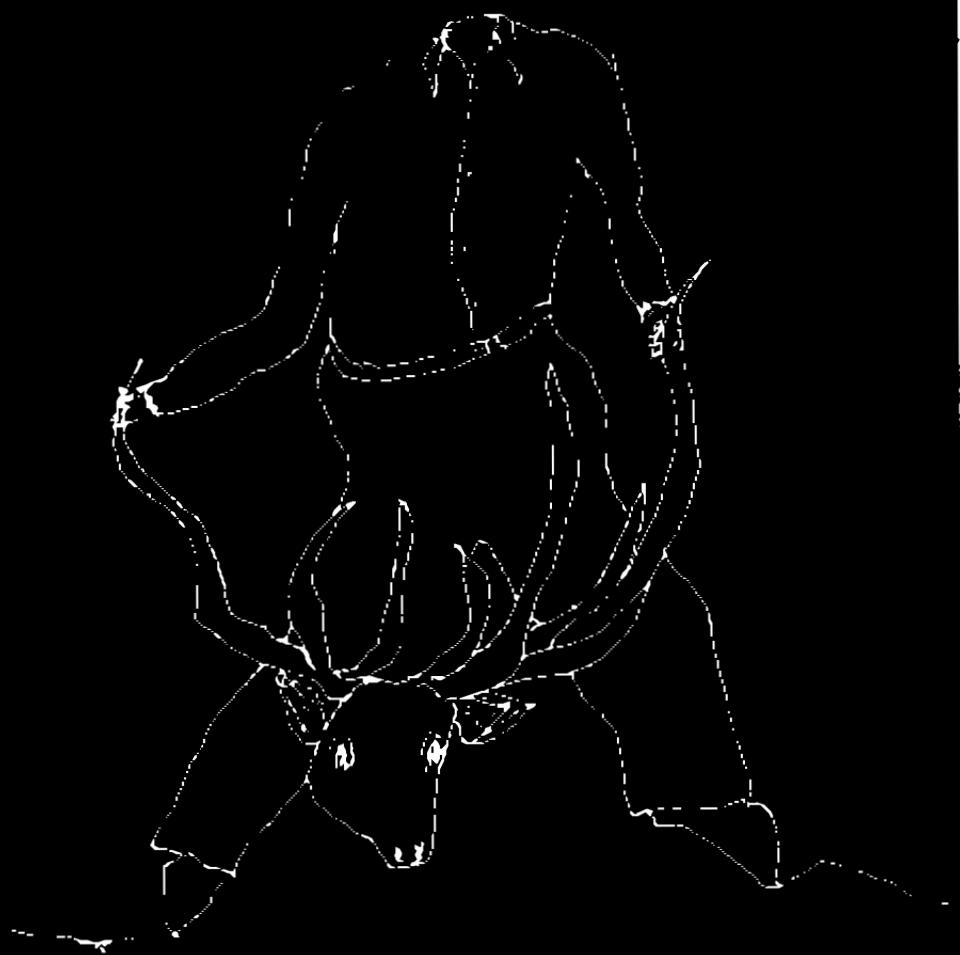
ه نومی شیرینی که معمولا در هفت سین نوروز گلدارند . و نیز به نذر آن  
که بر بزایند یا بخت دخترشان بازشود ؟ سمنو یار سی گزند.



از این جهت مسنونگفته شده است . و بعضی بحث کرده‌اند که هنچ  
چیز است و مگردو و بادام نیز دارد و بعضی گفت آن دوچیز ، وقتی  
که واضح وضع کرده بودند انته بلکه در آخر تعریف کرده‌اند و  
ظاهرآ این قول اصح است .

و جمیع علماء را اعتقاد آن است که از اعاظم نلدرات ،  
چهار چیز است : اول مسنو ، و در هر وقت می‌شود پخت . دوم  
شکر زرد\* ، و آن را باید در ماه محرم بخت گرچه برخی عقیده به  
نمی‌توانند و به اجماع علماء هر وقت بخراحتند نمی‌شود .  
سوم حلوای سوهان ، که از مسنو پخته می‌شود . و کلثوم نه گفته که  
به بعضی می‌افتد خوب است و به بعضی نمی‌افتد بد است . چهارم  
آش شله قلسکار\*\* ، و آن نیز مشهور است و احتجاج به ذکر ندارد .

\* لرمن ظا . برای تهیه آن از برقع ، رونق ، شکر ، منز بادام ،  
زمان و گلاب استفاده می‌شود .  
\*\* نومن فدا . جهت تهیه آن از برقع ، مس ، لوبها ، نخود ، ماش ،  
پیاز ، گرفت و سبزی استفاده می‌گردد .



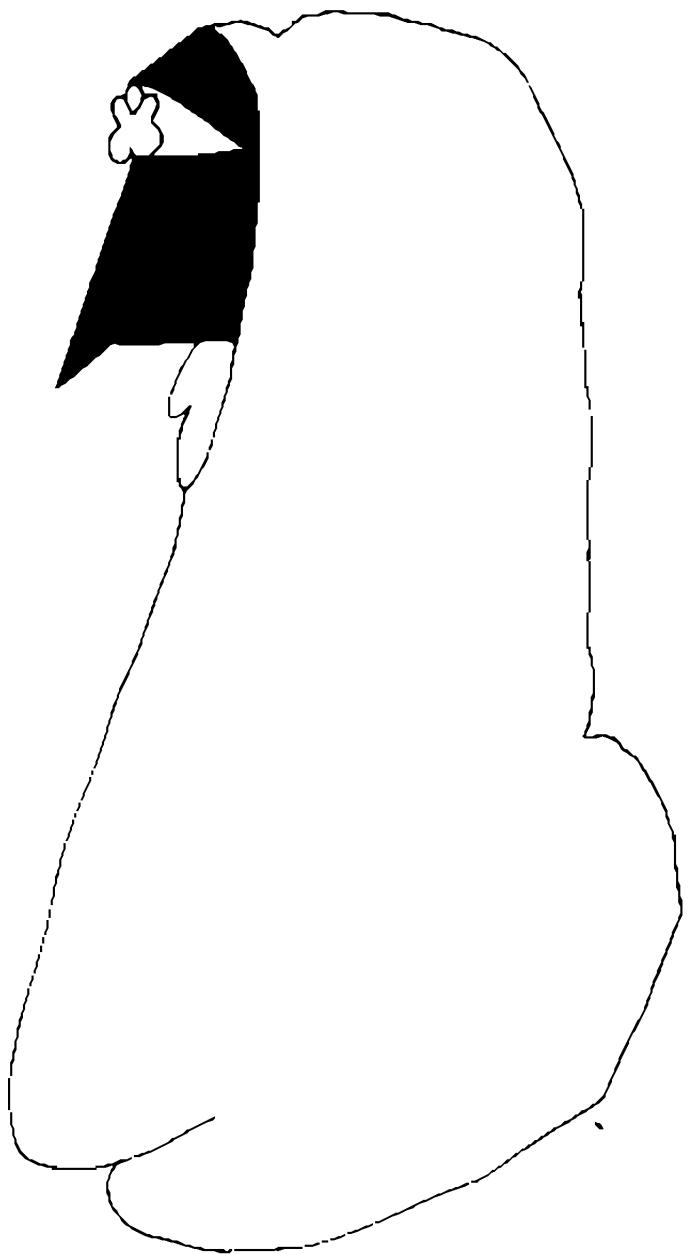
## باب یازدهم

### دریان

### کعوید و چشم زخم

اول مهره های کبود که خوش رنگ باشد. دوم شاخ آهو. سوم ناخن بلنگ، و کلثوم نه گفت که آن شاخ بابد به نقره گرفته شود. چهارم مهره سبده که آن را کس غربه <sup>\*</sup> گویند به اصطلاح زنان، و این عظیم تر است. پنجم نفس حمار و به قول اصح باید کوچکتر باشد از خرماغره. و بعضی گفت اند که هر چیز را که باید بترامت. ششم ہارچه کبود که که به اتفاق جمیع علماء از جمله تعریفات جلیله امت و خاله جان آفایگنست که باید پارچه کبره را در روز چهارشنبه پیش چشم برپندد.

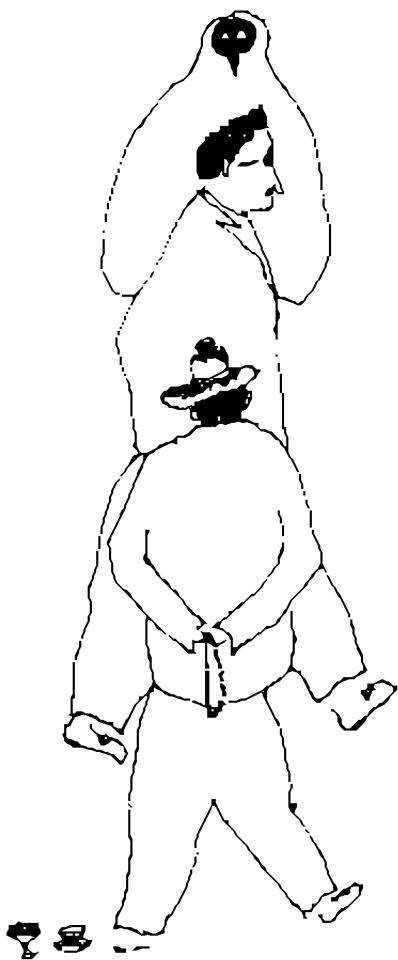
ه سهراهی است که گربا از بقایای جانوران دهایی و لرم تنان به دست آید و آن را همجز از نظر قربانی برای جلوگیری از چشم زدن به کوه کان می آوریزند. فرنگ لئات ماباند مسندمل جمالزاده.



هشم بابا خوری که آن هم مهره است و این قول احوط است . و از این مقوله بسیار است که ذکر آن ها موجب تطویل کلام است . و بعضی پنجه چهل رنگ گفتند ، و کلمونه گفت که این هارچه پنهانی باید هر یک از جای باشد و لازم است که از کسی عگرفت باشد که داغ فرزند ندیده باشد و فرزندش مانده باشد ، و این قول قوتی دارد . هشتم اپنے سوزاتبدن ، بهتر آن است که در غروب آفتاب باشد و اکثر علماء قالند که باید شب خریده شود و این احوط است و بسیار شاه زیب گفت که هرگاه خواهد اثرش یسترباشد به دردکان عطاری روند و بگویند : اپندهاری ؟ چون گوید بلی از آنجا بگذرند و درجای دیگر رفته بگیرند و این احوط است .

و آداب سوزانیدن اینست که اگر شب جمعه بوزاند  
بهتر است بداعتبار این که نام پیاری ها رفع می شود. و اگر بر کفها  
بعالند برای هر علی آن علت زابل گردد. و در وقت سوزانیدن بگویند:  
بتر کرد چشم حصاد و حسود برآفتند منافق و جهود . و بعده آن اسم  
دشمنان خود را که دانند بگویند . و از مسامی اپنده، بد از آن که  
سرخه باشد، باید بر کف پا و دست و سرینی ایشان کشیده شود که  
تأثیر عظیم دارد.





## باب دوازدهم

### دریان القسام محروم و نامحروم

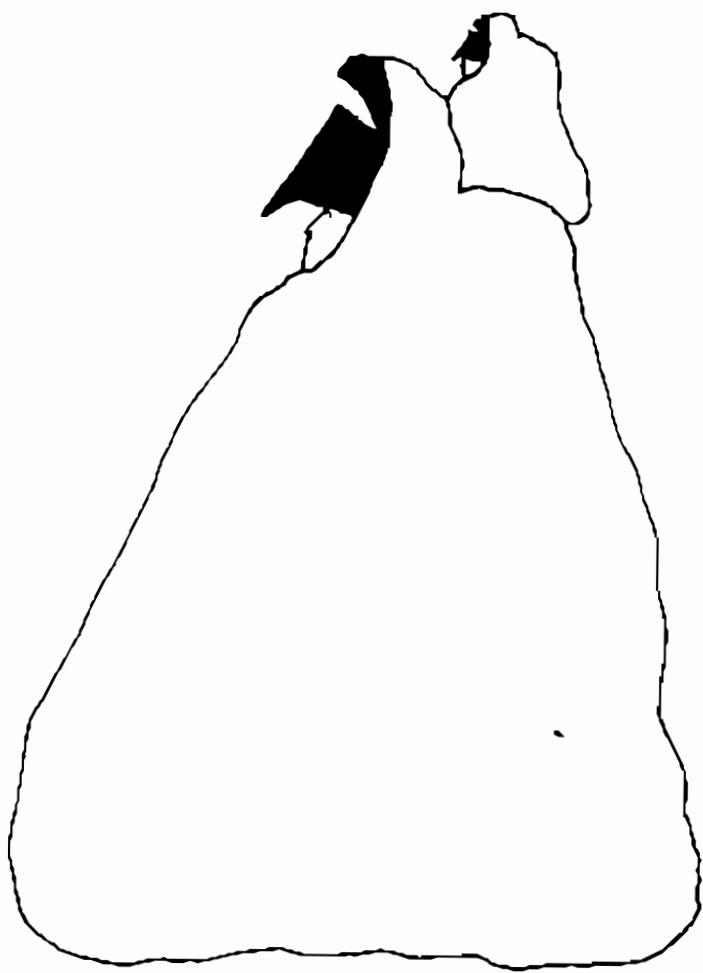
کسانی که نامحرومند اول عمامه بر، اگرچه کوچک و کتر از پاتر زده سال داشته باشد، ولی عمامه هرچه بزرگتر باشد صاحب آن بیشتر نامحروم است. و طالبان علم، در هر لباسی باشند. دیگر علماء و پیش نمازان و خدام مساجد و روضه خوان و واعظ و تاجر و کسانی که به حج راه یابند. دیگر ملذت. و واجب است این چند طایفه اگر سرم نسیی هم هستند شوهر یا هر خود و عموم یا هر برادر و پسر خواهر و دایی و حتی شوهر خود، زن از آنها بگیرید و احتساب نماید والا گناه کرده است.

اما آنان که محرومند، یهودی یاراق فروش، سبزی فروش، زودک فروش، بزار، پنه عرض کن، طیب، رمال، دعانویس،



جادوگر، مطرب، نقاره‌چی، سرناجی، عمله، کلاه بسر، گلوپندا  
فروش . و دده بزم آرا فرماید که اگر بهودی براف فروش باشد و  
اتفاقاً او دعانویس هم باشد؛ به اندازه‌ای محرم است که نا هم فیها  
خالکوونا و اجتناب ازا و قفل حرام و جزء گناهان کبیره می‌باشد بلکه  
این مرد اگر به خانه وارد شود باید احترامات او را بجا و حاجتش  
را برآورد.





## باب سیزدهم

### در بیان استجابت دعای زنان

در چند وقت دعای ایشان مستجاب می شود:  
اول در وقت زدن نقاره، هیچ دعایی داد نمی شود و این دعا  
را بخواهد:

توکلوا علی غیر الله ان کتم فاسقین و ان تسمعون حرف الشيطان  
فاسجد والبقره ان کتم ساجدين و ادصيكم تيرک المرة و اأكل المرم  
ان کتم سامين . و تشنغلوا الفرب الدف والدبک ان کتم عاقلين . اللهم  
انی امثلک بل مثلت غیر کان يعذلسان زوجی وزوجة أخيه و امه و ابیه  
و اخته و مرالبه ، و ان يحفظنی من شر جمیع اعدائی سیاما ذکر اسمهم  
وان یغیق اساقل اعضاوی و ان یتنف محنتی می قلب زوجی واذمات  
یبلطفی فی ساعته و فاته . استجب دعائی بحق اعدائک التبلین البعارین

## البيكارين يا امم السامعين .

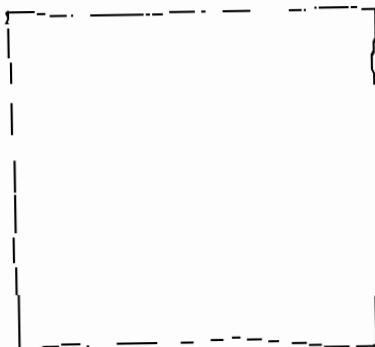
دوم در وقت زدن هر ساز ، خواه سر ناباشد و خواه کمانچه و  
امثال اینها ، و باجی یاسن گفت که وقت سونک زدن البت دعا  
مستجاب است و این خالی از قوه تیست .

سوم در وقت باز کردن دلک حلبم و منو و آش برگ و برگ  
دیختن در دلگش ، و باجی یاسن گفت که در وقت گلدم دیختن نیز هیچ  
دعا رد نمی شود .

چهارم در وقت حنابتن عروس ، باجی یاسن گفت و دده بزم  
آرا تیز قاتل است که دعا رد ندارد .

پنجم وقت خواب رفتن .

ششم وقت ختنه کردن پسران . باجی یاسن گفت که وقتی که

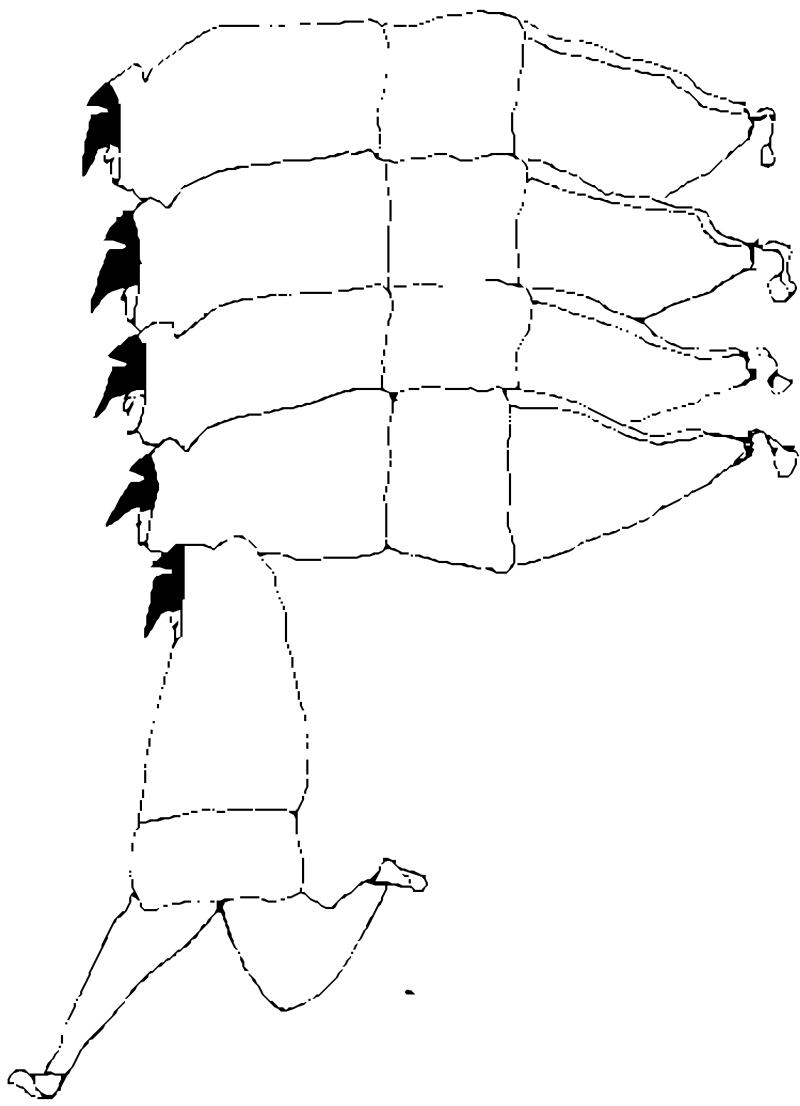


دلاک نیخ می زند و ذکر طفل را می برد همچو دعا رد نی شود بخصوص  
دعای دخترانی که هنوز شوهر نرفته باشد.

هفتم در شب زفاف باید که دور هم بنشینند و حروف های شبرین  
در بیان آورند که باعث خشنودی مادر عروس شود. بعد دعا بکنند که  
مستجاب می شود.

هشتم وقت میوه بستن، باید روزی که انگور را خربزه می بندند  
بگویند که خربزه گرفتیم برای خرجی خانه. آن خربزه و انگور را به  
سلامت بخورند.

نهم وقت جا کردن آذوقه سالبیانه است. باید که آش عدس  
بهزند که باعث تبرک است.  
دهم وقت عقد بستن و وقت تولد فرزند.



## باب چهاردهم

---

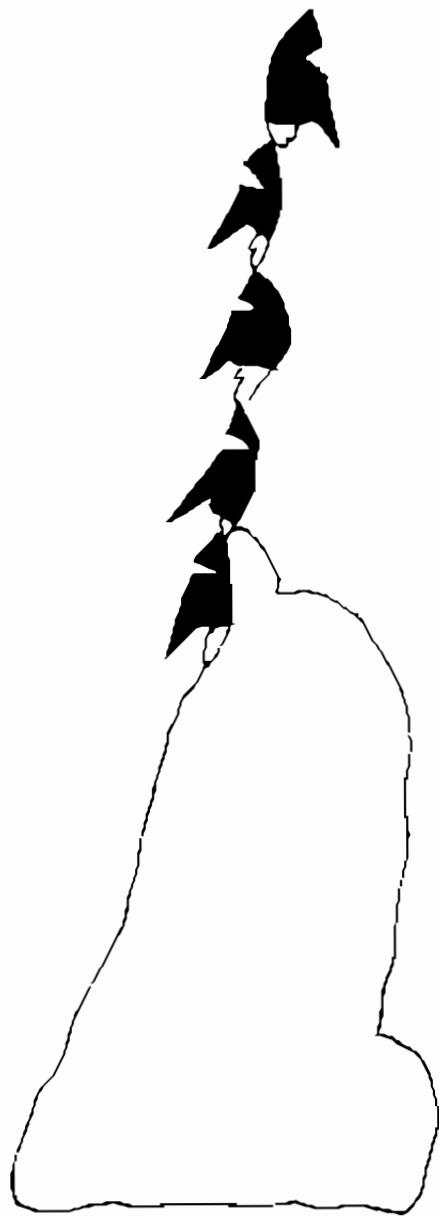
# در بیان آمدن مهمان به خانه و بیرون رفتن و متعلقات آن

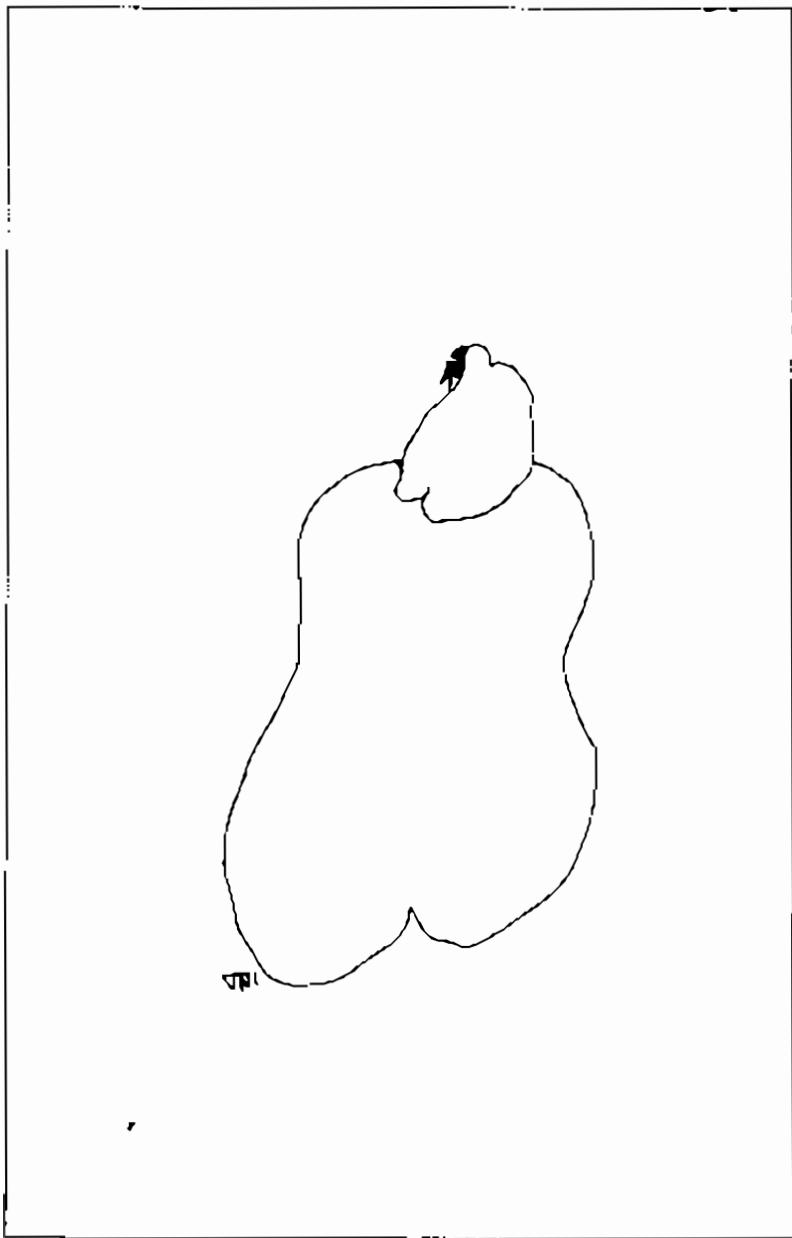
---

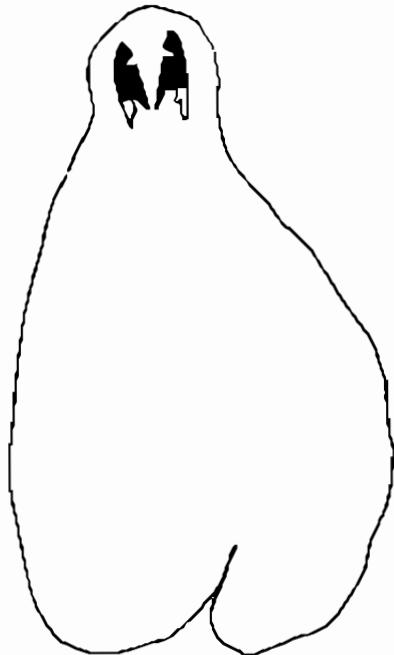
بدان که اجماع علماء براین متفقند که در شب چهارشنبه نباید به خانه مهمان برد و در شب جمعه نباید گذاشت که مهمان از خانه بیرون آید، زیرا که در شب چهارشنبه درد بد و آنثها به خانه می‌آورد و در شب جمعه هر گاه بیرون رود برکت و رزق و نواب بیرون می‌رود. و بیان شاهزاده و دوست ملزم آدا را اعتقد آن است که ساین براین دستور چنین بوده اما ماماله را چنین یافته که در شب پیش از شنبه مهمان به خانه نبرند و اگر در شب شنبه کسی مهمان شود شب پیش از شنبه انسان را بله می‌رود و بعد بر می‌گردد. و مهمان نامه روز اخبار با خودش می‌باشد و منت بر صاحب خانه ندارد و بعد از سه روز هر روز که می‌گذرد منت مهمان بر صاحب خانه است و مدت مهمان بودن از یک هفته

کشروا زیک ماه بیشتر نیست و باید هر زنی که به مهمنانی می‌رود تمام اطفال خود را همراه بیرد، حتی طفل شیرخواره و دابه‌اش را نیز بیرد و قول بعضی از علایه این است که هر گاه در شب چهارشنبه کسی به شب نشینی برود و خواهد که برگردد، یک دانه سنجاقی به زبان گیرد و به خانه میزبان به جای خود اندازد.

و در وقت چیزخورددن میهمان هر چند که سیر شده باشد، بر میزبان واجب است که لقمه‌های بزرگ‌گرفته و به یاده‌بک از خوبیان او که به خانه مانده‌اند و حاضر نیست بدهد؛ وایشان را در سفره یاد کند که جای غلان خالی است.





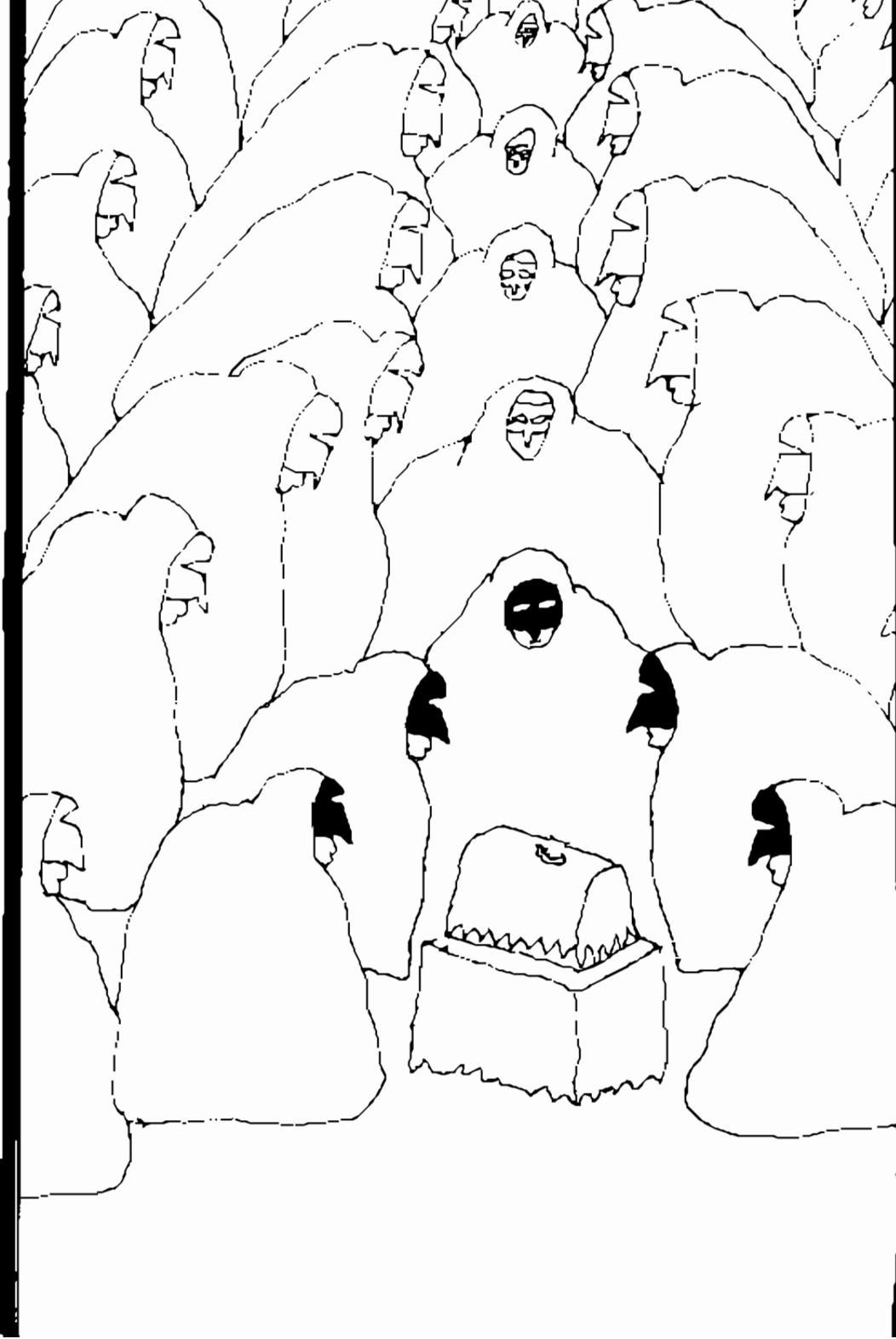


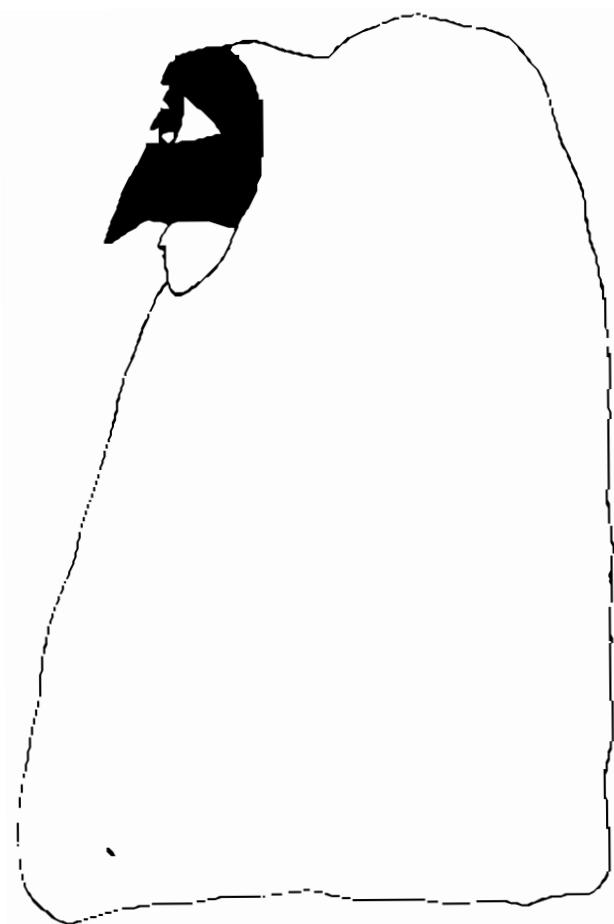
دیر مهمان واجب است که در وقت چیز خوردن به یک دله  
چیز تخورد بلکه قدری بخورد تأمل نماید و میزبان او را قسم دهد به جان  
شوه ر فرزندان که چیز بخور و او مسایقه نماید و کم کم خورد.  
و دیگر چون مهمان در جایی باشد و صاحب خانه با حللا خورد  
مفاربت کند بر مهمان واجب است که از صاحب خانه چیزی بگیرد  
بخورد مثل حلوبات و نبات و خشکبار و این را به اصطلاح زنان  
سلطان حقی می گویند.

و بر میزبان واجب است که از برای مهمان خربزه و هندوانه و  
انار و سیب با حلوبات پیاره و چون مهمان به عحده خورد رود

واجب است که جاحالی \* بفرسته مثل هل و میخک و غیر آن و  
جاحالی را فردای آن شب بفرستد. و بی بی شاه زینب گفت که يك  
روز بعد از رفتن مهمان احوط است . و باجي یاسمن گفت که در  
جاحالی فرستادن کوتاهی نکند که از عگناهان کبیره است، و هر کس  
نرکنکند جاحالی فرستادن مهمان را ؛ خداوند خیر و برکت به او  
من دهد. واجماعی علامت که عروس سی ساله را هم باید جاحالی  
فرستاد .

\* ها جاحالی ها، آنچه بعض مدید فرستند کمی واکه از جایی رفته است.





## باب هاتردهم

### دریان صیفه خواهر خواندگی

جمعیع علماء اتفاق دارند که باید زن خواهر خوانده‌ای<sup>\*</sup> داشته باشد و اگر کسی بپرید و خواهر خوانده نداشته باشد چنگونه ابده بهشت داشتباید؛ و کسی که خواهر خوانده داشته و تسام او قاتش را صرف آن کند در قبامت برای او حساب نخواهد بود و او را بی حساب داخل بهشت کند. ولی بی شاه زینب گفت که اگر عدا ترک کند آثم و گناهکار خواهد بود و بر دین بهودی و نصرانی خواهد مرد، و این قول نهایت قوت دارد.

دریان روز صیفه خواهر خواندگی اجماعی علماست که این

\* دختر بارزی که شخص او را بد خواهی بدلبرفت باشد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به مقاید النساء، مسروہ کتیراللی، صفحات ۳۶ - ۴۸.

امر بايد روز عبد غدیر واقع شود و در غير اين روز درست نیست و باید  
در يكى از اساميزاده ها خوانده شود و زدن دابره در آن وقت واجب  
است و نيز شربت باید بدخته ؛ و كيفيت خواهر خراندگى به فتوای  
کلثوم نه اين است که يكى بگويد :

«حن شاه خير تگير،

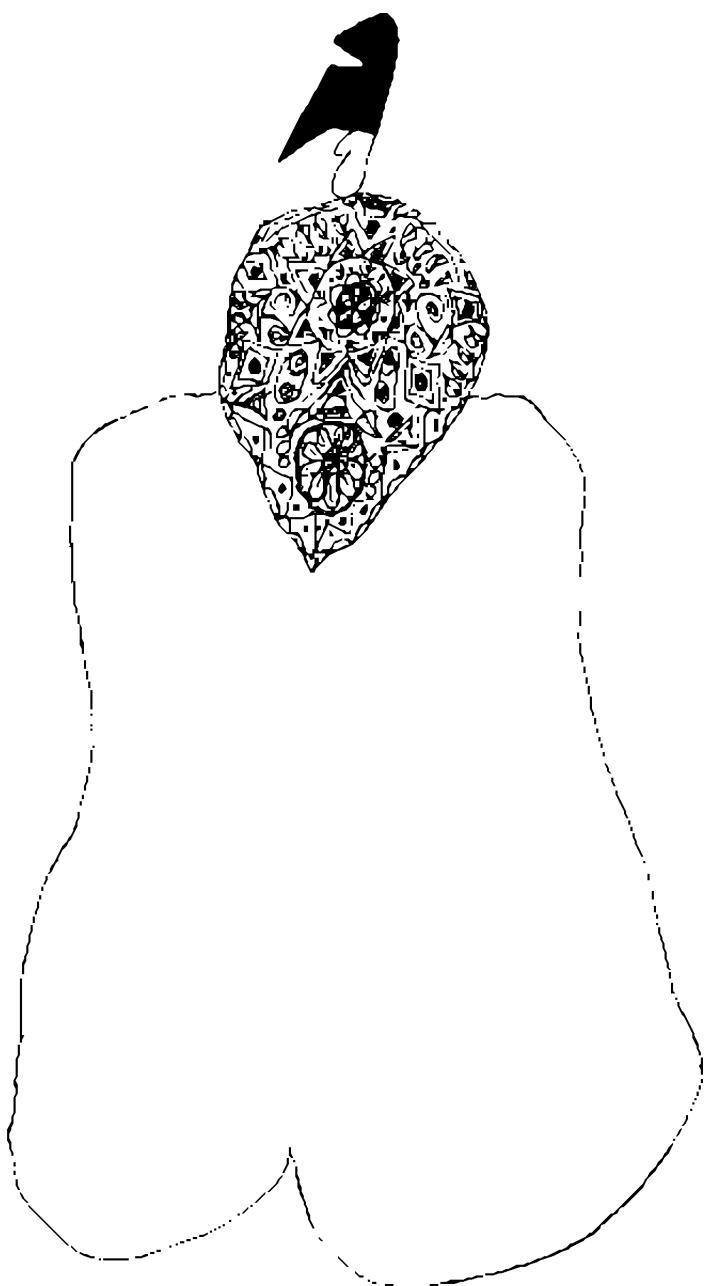
و ديگری بگويد :

خدایا مطلب مارا برآور و پذير.

و ديگران به نحو ديگر گفته اند و در اين باب اخلاقاني دارند ،  
اما اين اقوى است و دستمال چند که باید خواهر خوانده ها داشت  
باشند به اجماع علماء چهارده دستمال است :

اول دستمال غمزه بند، و طریق بستن آن این است که بايد بپیشانی  
و دست راست بندد.

دوم دستمال عشره بند، و طریق بستن آن این است که بري يك طرف  
مرکج بسته شود.



سوم دستمال زلف بند، و طریق بثن آن این است که بک  
طرف پیشانی و بک طرف زلف را بگیرد.

چهارم دستمال یکه شاخ، که سر دستمال را به سربند کرده و  
سر دیگر را به دوش آنداخته دارد.

پنجم دستمال چکی چکی، که باید در آن روز آن را از زیر  
ذقن<sup>\*</sup> برده سرهای آن را پشت سربند نماید.

ششم دستمال زنار بند، که باید آن را از پشت گردن در پیش  
مرکرده گرده زند.

هفتم دستمال بال بند، که باید آن را روی بازو بندد.

هشتم دستمال داغ بند، که باید آن را مایین دست و مرفق<sup>\*\*</sup>  
بنلدد.

نهم دستمال مکن مرگک ما، که باید آن را به پشت دست بتد  
به نحوی که انگشت بزرگ را نگیرد.

• چانه .  
• آرینج .



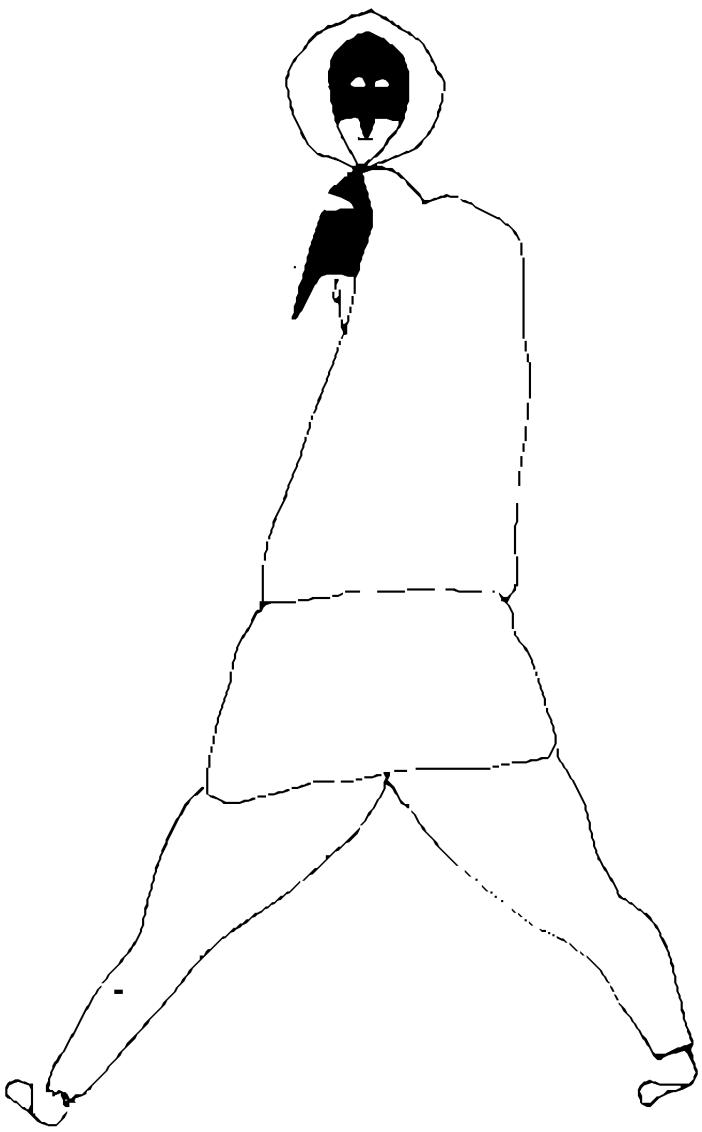
دهم دستمال حقه بند، و طریق بستن آن این است که باید  
برواد، بروادی زیر جامه بند.  
بازدهم دستمال سرخاب پیچ.  
دوازدهم دستمال آجیل بند، که باید در مهمنانی‌ها داشته باشد  
به جهت تنفس بستن.

سیزدهم دستمال فرقه بند.

چهاردهم دستمال مزه بند.

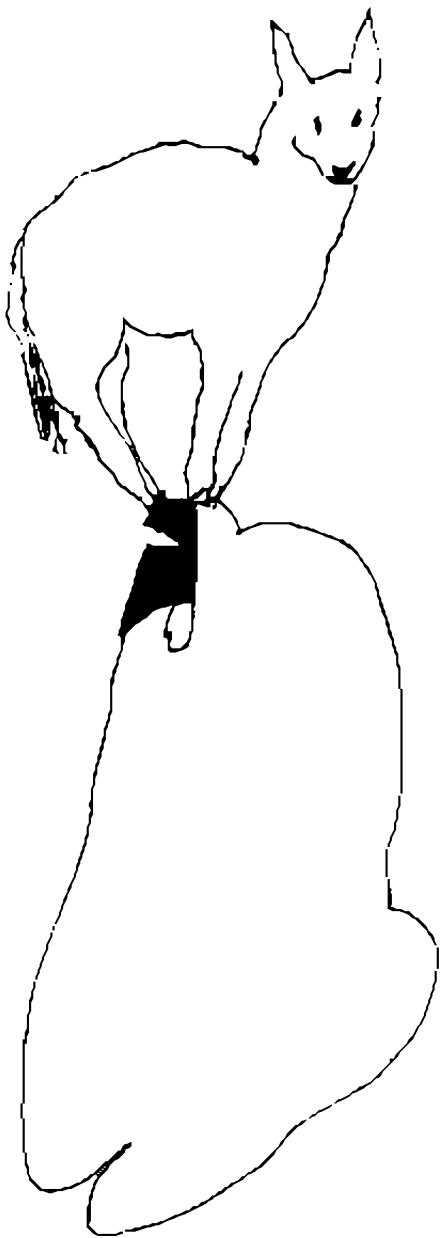
بدان که هرگاه دو زن بخراهند خواهر خوانده بشوند بدون  
دیدن یکدیگر، اول زن معتبری که باید نهایت اعتقاد برآورد آشته باشد  
- که اورا در اصطلاح پاسزِ<sup>\*</sup> گریند، و عروس چک‌از‌موم سازند و  
کلثوم‌نه گفوب عروس چک در اصل عروس کوچک بوده که از کرت

ه سیانجی، دلال.



استعمال عروس چک شده و سایر علماء گفته‌اند این کاف کاف نصیر است مانند پرک و دخترک و غلامک - و باید خوان پوشی در نهایت زینت با یک خوان شرینی درست کرده و عروس چک را بروی خوان نشانده از برای آن که می‌خواهد با او خواهرخوانده شود بفرستد.  
و اگر آن کس خواهد که خواهرخوانده شود، باید یک کجک نفره که آن را در اصطلاح زنان گلوبند نامند ببر. سر عروس چک بیندازد و پاسزرا نیز خلعت دهد؛ و کلثوم نه گفته لولو زربت نیز کافی است و بعضی گفته‌اند که رخت ساده نیز کفابت می‌کند و قول اول اقوی است.

و هر گاه چنین رد و بدل شد معنی رضایت طرفین است و اگر هم طرف نخواهد که خواهرخوانده شود چادر بیاه بر سر عروس چک کرده هم می‌فرستد.



## باب ناتزدهم

دریان چیزهایی که  
بعد از خواهر خواندگی  
برای یکدیگر فرمتند

و ذکر همه آنها باعث طول کلام می شود، آن چه را علمای  
خمسه در آن اختلاف نداشت اند ماذکر می کنیم و آنها از این قرار  
است :

مل درست، یعنی حلم دارم.

مل باز، یعنی حلاکم.

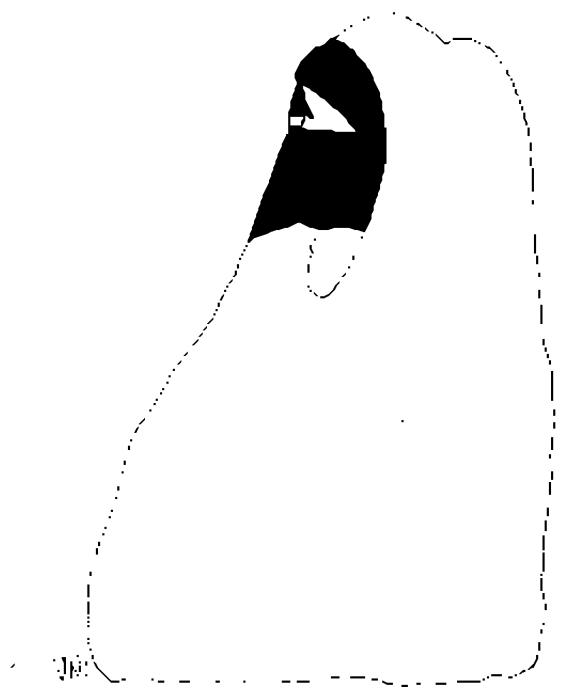
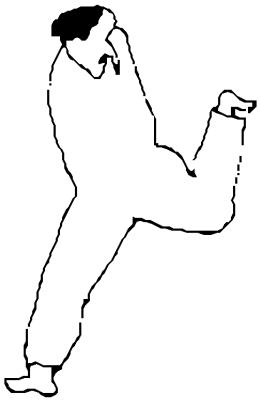
مل یک طرف پوست کننه، یعنی از حلم هاره هاره شدم.

سیخک، یعنی کبابم.

دار جنبی لوله، یعنی قربات شوم.

دار چینی باز کرده، یعنی بیمارم، جکنم؟

جوز درست، یعنی من از توام، هیچ غم مخورد.



جوز بک طرف سائیده، یعنی درد و ضعف دارم، این را  
مالبدام نوهم بمال.

بات، یعنی در چشم من شیرینی.

مندل، یعنی همه وقت می‌بويست.

شبشه، یعنی دلمن از دست نونازک شده است.

عناب، یعنی:

عناب لب لعل نرا قند نوان گفت

چیزی که به جای نرم ملچند نوان گفت.

زعفران، یعنی:

ذردم کرده چو زعفران مرده

تا چند خورم غم نرا یهوده.

انجوجک\*، یعنی لعنت برتو.

\* یا انجیکک، درختی که در ایران در جنگلهای خشک فارس و کوههای  
پشتیواری و لرستان وجود دارد. دانه آن شبیه به دانه امارود و متز آن سفه است و  
آن را خورند.



فندق شر تکرده، یعنی غم ترا خورده و می خوردم.

فندق شور، یعنی سراپا داغ ترا به دل دارم.

فندق سر داغ کرده، یعنی آتش بر سرم افتاده است در طلب تو.

فندق کون پهلو داغ، یعنی چنان که آتشم بودل زدی آتش

بر کونت یافتد.

بادام پوست کنده، در این باب نیزیتی گفتند اند:

بادام سید سر برآورده ذ پوست

عالیم خبر ام است من ترا دارم دوست.

کاه، نیزیتی گفتند اند:

تکه بر دیوار دارم هجو کاه از دست نو

بر درو دیوار بنویسم که آه از دست تو.

تیرو کمان که می سازند هم نظری گفت اند:

عاشن کردنی مرا به بازی بازی

استاد شدی تو و کمان میازی

خواهی که بیک شست دو تیر اندازی

من نردبیم به شلدرم اندازی.

زغال ، بعنی دشمن رومبه شود .

موم ، بعنی از غمث مثل موم شدم .

کاغذ سرخ ، کلثوم نه گفته :

برایت می نویسم نامه ای از بس که خون گریم .

تو گوینی کاغذ مکوب من زنگ حنادرد .

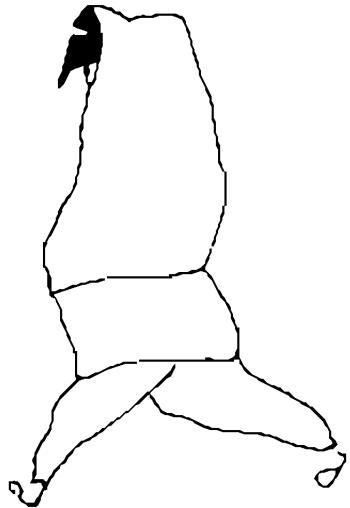
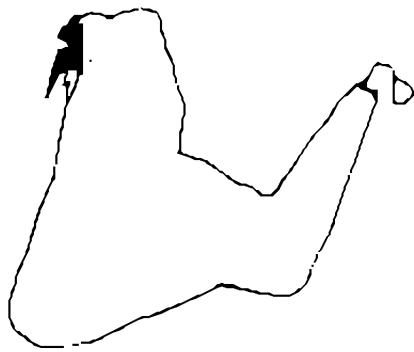
کاغذ زرد ، تیز گفته اند: این زردی رنگ از فراق تو شده .

مرد نیاز برای زن به اعتقاد کلثوم نه اگر تنگ طلا بفرستد

ابن معنی را دارد، بیت :

تو که از تنگ طلا می خوری ،

سر سرنای مرا کمی می خوری .



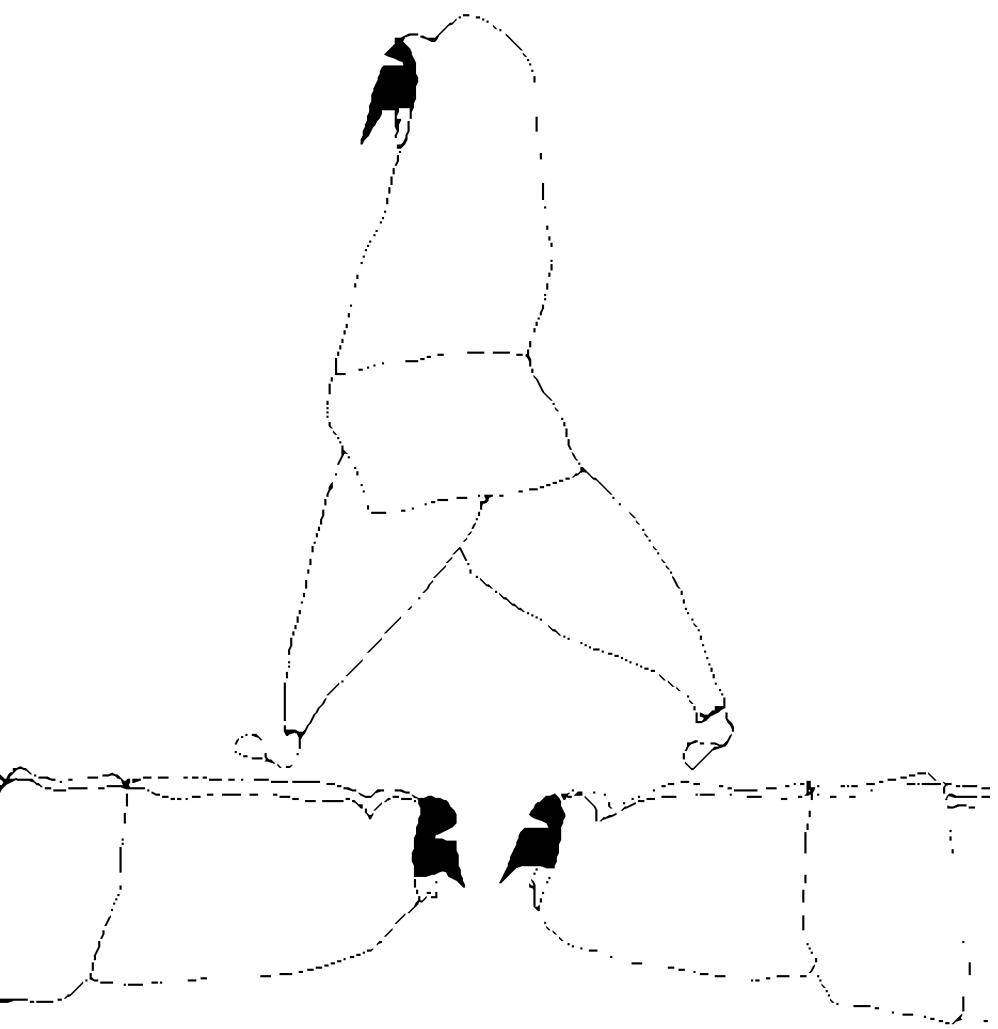
---

## دربیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کثیرالمنفعه

---

اجماعی علمات که در شب چهارشنبه سوری باید ظرفی مانند سبو و کوزه را هر از آب کرده ، وقت غروب آفتاب از بام به کوچه اندازاند که رفع بلا می کنند. کلثوم نه گفته که در وقت بردن ظرف به عقب نگاه نکنند که بلا بر می گردد. وبعد قدری آتش روی آن ریزند و بعد مقدار کمی پول می باشند اندازاند و آن پول باید باشد ناقص بردارد. و با جو باسین گفته که در روز زید با پاش جاع الدین ، چنگال\*

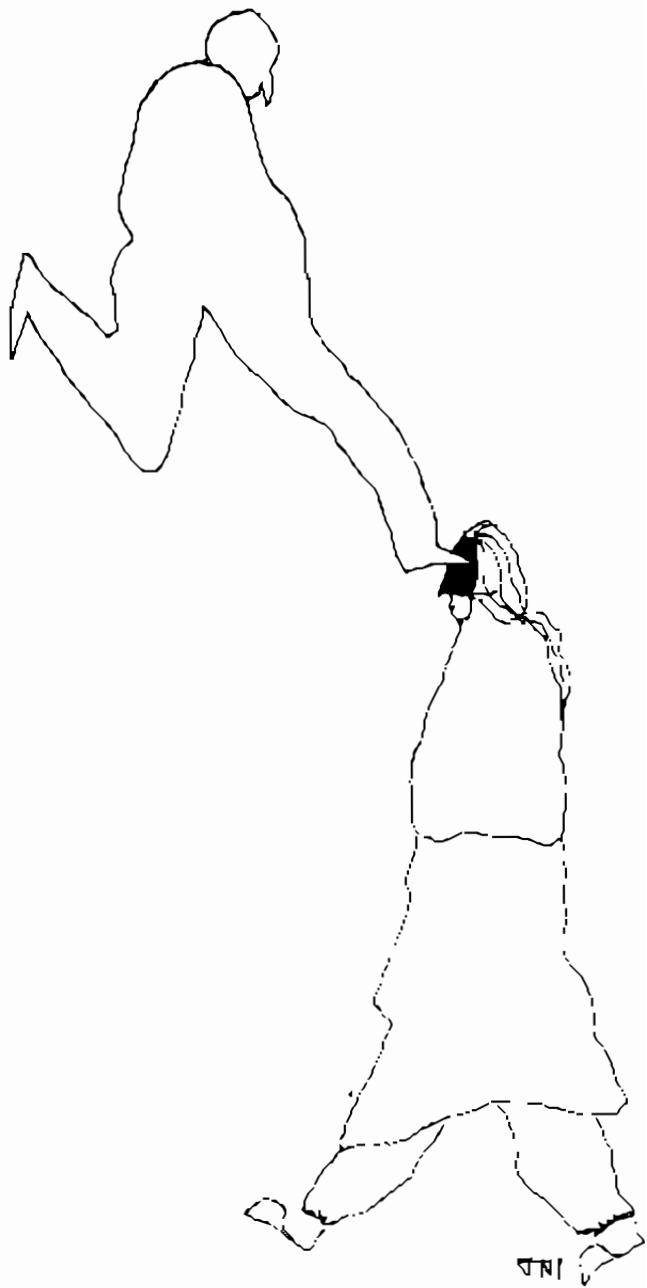
\* یا چنگالی ، نان گرسی که با رون و شدیتی در یکدیگر سالمه باشند.



خوردن ثواب عظیم دارد، و اگر روز سه شنبه یا چهارشنبه یا جمعه  
اول ماه واقع شود، هر که در آن ماه بمرد باید یک لئگه کفش  
خودش را با او در قبر گذاشته در آن ماه کسی از اقوامش بعیرد.  
دبیر از ضروریات که از جهت زود برآمدن مطلب است، دوازده  
فتبه رادریست و هفت ماه و میان باید روشن نسباند. حاله جان آنا  
گفت که اگر خرسی در غیر وقت بخواند باید او را کشت زیرا  
که اگر اورا نکشد صاحبش می برد و این قول خالی از فومنیست.  
و اجماعی علماست و واجب است زنان را که در کوچه ها

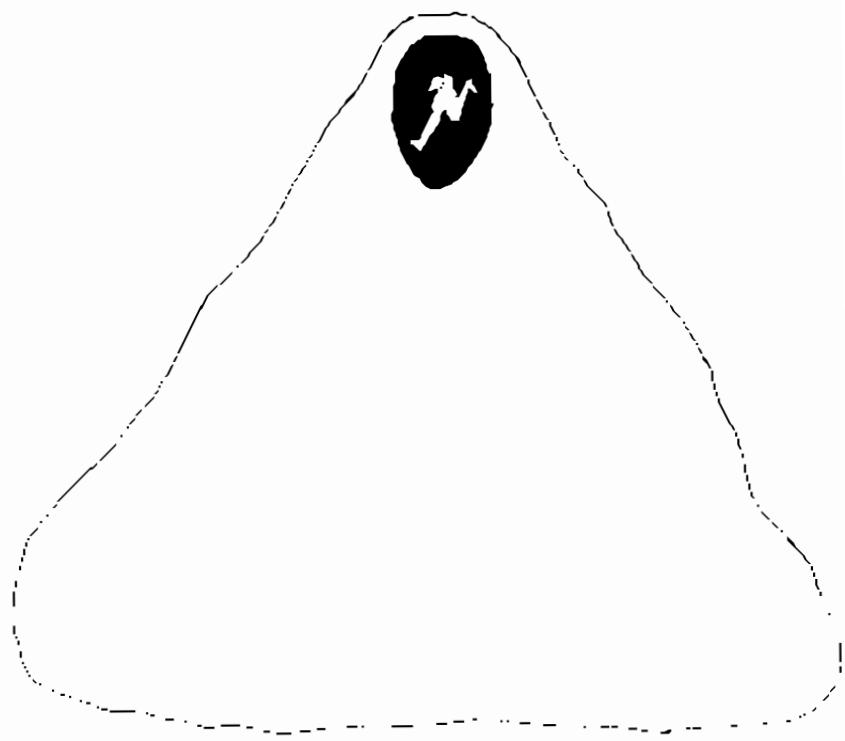
و بازارها هر جا که تعزیه باشد بروند بلکه گفته اند وای به حال زنی که  
تعزیه نابلک طرسخی باشد و آونزود. واگرزن حامله در تعزیه و یا روضه  
وضع حملش شرد قدم آن فرزند بارک است و نام او را رمضان  
باید گذاشت . دده بزم آرا گفته هرگاه زنی بخواهد فال بگیرد،  
در شب چهارشنبه بر سر راه بنشیند کلید دودتدانه را بر زمین گذارد و  
هر مطلب که خواهد نیت کند به حرف کسی که از آن جا عبور می نماید،  
نتیجه را از حرف او معلوم کند.  
واگر مهمن آید، در مهمن ساعت که وارد می شود، آرد بروج

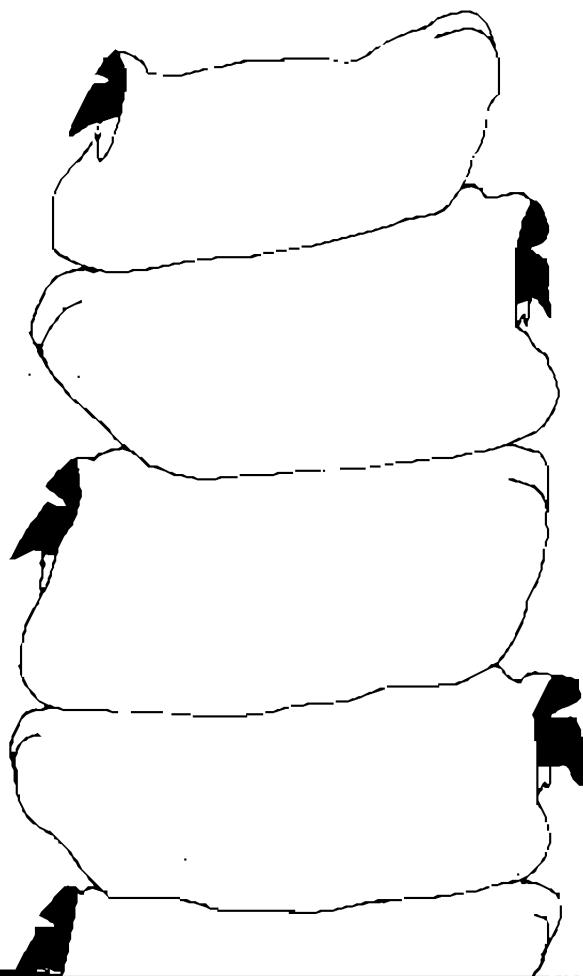
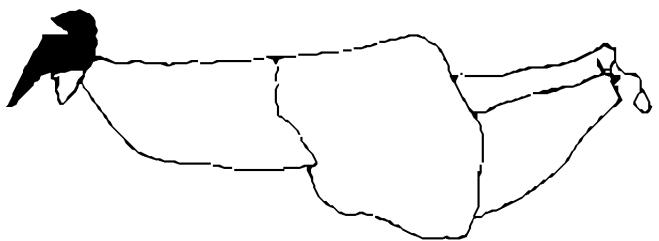


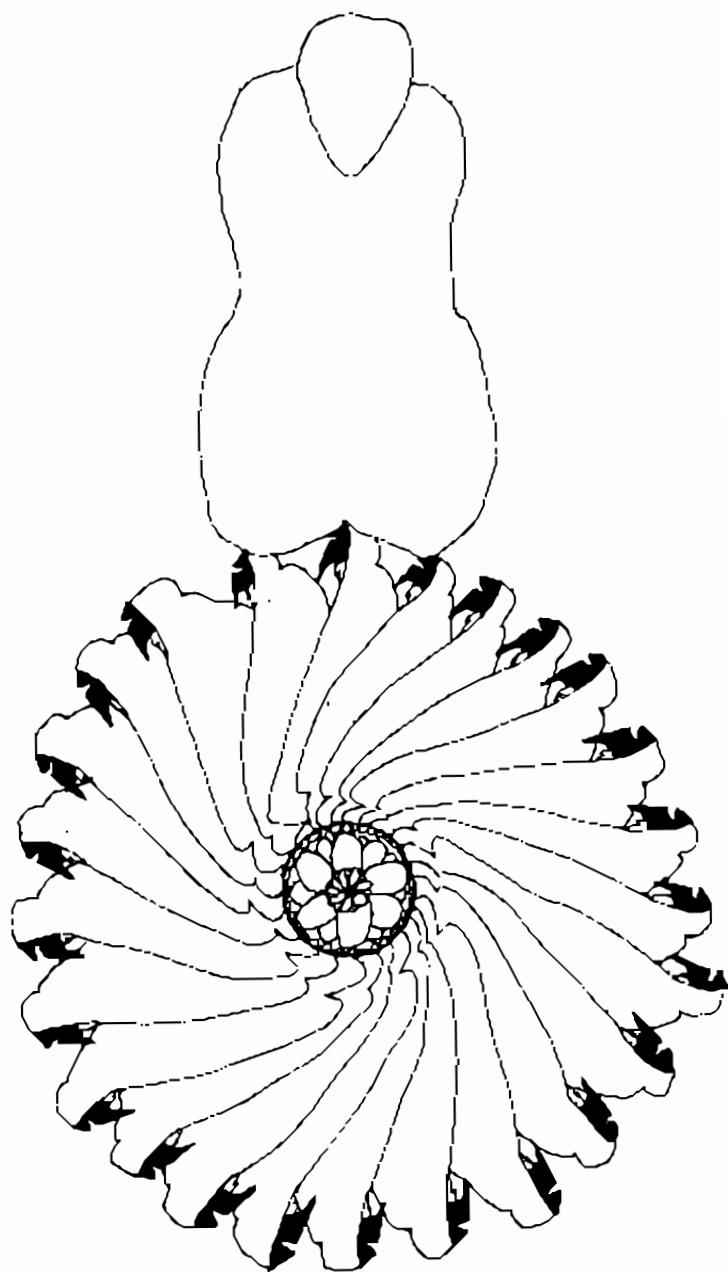


114

حلو اکن و به مهمان بدهد، و بسی شاهزاد بگفت که بر پشت بام برآید  
و فریاد کند که مهمان عزیز آمده چه خوردنش بدهم؟ هرجه گزیند  
بدهد که بسیار سجرب است، چنان که بیان زنان مشهور است که  
کسی فریاد زد که کیر خر، آن را به بیمارداد در حال صحت پافت.  
و دیگر حاروب کردن خانه؛ تامهمان درخانه است جاروب  
کردن حرام است، و در شب و روز سده شبه و چهارشنبه هم حاروب  
کردن فعل حرام است. د کلثوم نه گفت که باید سه روز از ایام مفته  
جاروب نکد که در آن سال مورچه به اطاق و خانه می‌افتد.



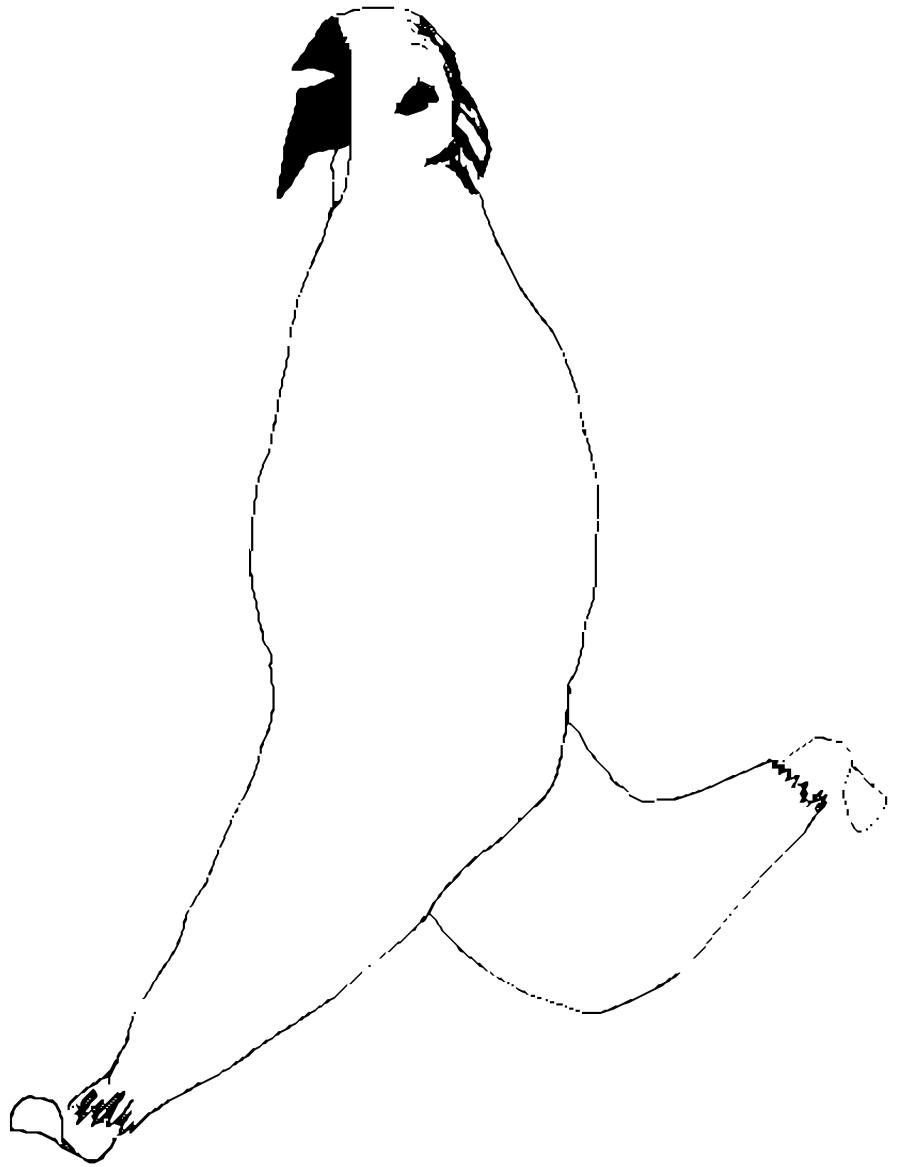




باجی یاسن گفت که بر هر ذنی و اجب است که هفت ای بکسر بی  
و اگر ممکن نشود مامی یک مرتبه و اگر باز هم استطاعت نداشته باشد  
سالی یک مرتبه سنجیز دو اگر کسی ترك کند، مرتد<sup>\*</sup> و اگر العیاذ بالله  
کسی در این امر عقبه سنت داشت باشد در حکم کفرا و تأملی نیست  
و وارد شده: ارجو رحمة الله امرأة تارك الطبع السنود كان لها  
استطاعة طبخه ، فلا فلاح لها في الدارين الى يوم النبی؛ و نیز دیگر  
احادیث در این باب بسیار دیده شده اما به همین مختصرا اکتفا شد.  
باجی یاسن و خاله جان آتا گفتند ، سایرین هم اخلاف  
ندارند که اگر ذنی ملدق منورا با خود دارد، این شود از جمیع  
بلایا. و انچوچک را باید به دست بشکند ، برخلاف تخم خربزه که

۰ آن که از دین حنبلی صرخ و دبر گشت، باشد.

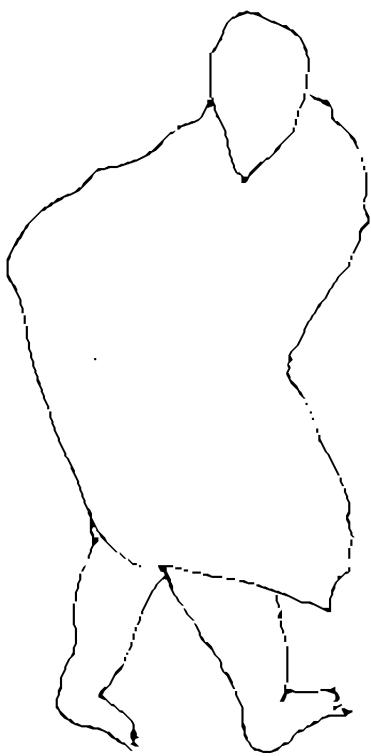


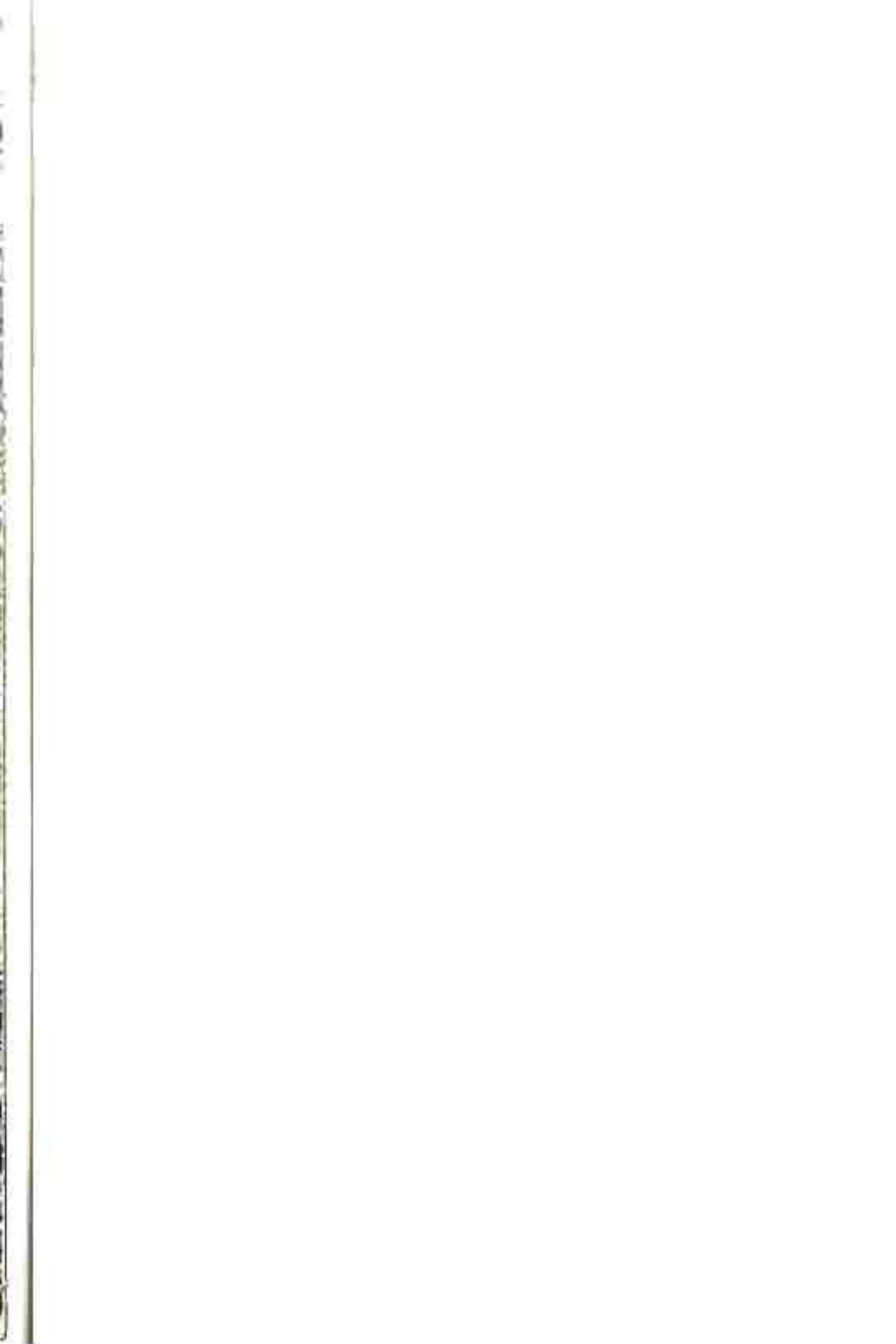


باید به دندان پشکند. و در وقت تخته خوردن باید تعارف یکدیگر  
کنند و اگر تخته را با نخود خام بکروند و بخوردند ثواب عظیم دارد  
و مترسخ چردو را بامویز بخورد. و همچنین آتش را با قاشق و پلورا  
باشه و هندوانه و خربزه را با دندان و ترب را بانسک و مصل را با  
روغن و سیر را باماست و یخنی<sup>\*</sup> را با ترشی و کشک را بانسنا و  
زرده را پخته بخورد.

## تمت

• گوش پخته شده گرم و سرد، نرمی خواراکشیده آیگرشت و آن را از  
گلوشت های چرب سازند. تدبیم در تهران پختن و خوردن یخنی رواج داشت و در  
سرمه گذرا کانهای یخنی پزی دیده میشدند.





از

بیژن اسدی بور

مشتری شود

طنز خانگی

(طرح و توشتهای طنز آمیز)

۱۳۹۵/۰۷/۱۱



انتشارات مروارید